

## گذار به تمدن نوین اسلامی از طریق تاب‌آوری جامعه ایرانی در مقابل عدم قطعیت‌های آینده

تقی پارسامهر

دکترای آینده‌پژوهی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ع)، قزوین، ایران.

parsamehrvision@gmail.com

### چکیده

امروزه، جامعه ایرانی انواع مخاطرات، تنش‌ها، حتی بحران‌های کم‌سابقه‌ای را در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی و ... تجربه می‌کند. به نظر می‌رسد با گذشت زمان، مخاطرات و بحران‌های تازه‌تری ظهور می‌کنند و ثبات و پایداری جوامع را در معرض فروپاشی قرار می‌دهند. یعنی در جهان آینده، گویا هیچ جامعه و تمدنی نمی‌تواند در برج و بارویی، دور از شوک‌ها و ضربات سهمگین عدم قطعیت‌ها، آسودگی و آرام یابد.

شاید بتوان، در ارتباط با تمدن اسلامی آینده، چهار حوزه تمدنی شامل ایران، عربستان سعودی، مصر و ترکیه را پیش‌ران‌های مهم تمدنی در نظر گرفت. یعنی این چهار حوزه، بیش از بقیه، ادعای تمدنی دارند. در این میان،

ایران اسلامی انقلاب اسلامی را به پیروزی رساند، توانست حکومت و دولت اسلامی تشکیل دهد و در صدد شکل‌دهی به امتداد این کلیت اسلامی، یعنی پی‌ریزی جامعه و اعتلای تمدن اسلامی، است. به نظر می‌رسد توفیق در امر پی‌ریزی جامعه و تمدن اسلامی در برقراری نسبت مطلوب تمدن با پایداری جامعه در افق بلندمدت است، چراکه تمدن امری بلندمدت است.

تاب‌آوری‌سازی رویکردی است انضمامی، با توجه به واقعیت شرایط جامعه ایرانی، برای ریل‌گذاری جامعه اسلامی ایرانی به سوی ایجاد جامعه پایدار. تاب‌آوری واسطه‌ای است برای گذار به جامعه‌ای پایدار و جامعه پایدار زمینه‌ساز آینده تمدنی است در قالب ظهور یا تقویت تمدن اسلامی که ظهور آن قبلاً رخ داده است و حالا باید اعتلا یابد. خط‌مشی‌های تاب‌آوری جامعه ایرانی - اسلامی را به سمت مراقبت از قابلیت‌های راهبردی، در مواجهه با عدم قطعیت‌های آینده و بازیابی سریع پس از تأثیرگذاری شوک‌ها و مخاطرات راهبردی، سوق می‌دهد. حفظ قابلیت‌های راهبردی، در فراز و فرود عدم قطعیت‌ها، زمینه را برای پایداری و ظهور تمدن نوین آماده می‌سازد. از این دیدگاه، لوازم تمدنی امری ضروری و حیاتی است، چراکه هیچ تمدنی از هیچ آغاز نمی‌شود، بلکه تمدن‌ها به قابلیت‌های انباشته‌شده و تاریخی خود متکی‌اند. بر فراز این انباشتگی تاریخی از قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها، امکان رویش‌های نوین میسر می‌شود. مفروض اساسی این تحقیق این است که تمدن نوین از آسمان انتزاع و خلاء نازل نخواهد شد، بلکه تمدن نوین آینده در فراگردهای تاریخی و اجتماعی جامعه به تکوین و ظهور می‌رسد. بنابراین، با افزایش تاب‌آوری جامعه ایرانی و غلبه بر عدم قطعیت‌های آینده، از طریق واکنش و بازیابی مناسب، قابلیت‌های امکانی برای پایداری بلندمدت و سپس ظهور تمدن نوین یا اعتلای آن مهیا می‌شود. در این تحقیق، از روش توصیفی-تحلیلی و مصاحبه با نخبگان استفاده شده است. آینده‌پردازان تمدنی و خط‌مشی‌اندیشان کلان می‌توانند از یافته‌های این مقاله استفاده کنند.

**کلیدواژه‌ها:** شوک‌های آینده، واکنش و بازیابی، خط‌مشی‌های انطباقی، تاب‌آوری جامعه، پایدارسازی بلندمدت، تکوین تمدنی.

## مقدمه

باید توجه داشت که تمدن پدیده‌ای اجتماعی و تاریخنمند است و نه حاصل صرف کنش‌گری و اراده توهّم‌آمیز و انتزاعی، به‌دوراز شرایط انضمامی اجتماعی و نه به‌مثابه تأسیس یک کالا و بنای فیزیکی و ...، بلکه هر تمدنی در بستر منابع تکوینی خود امکان ظهور و پدیداری پیدا می‌کند (پارسامهر و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۱۱۴).

جامعه ایرانی - اسلامی، که انقلاب اسلامی را در جهان یک‌جانبه‌گرای مدرنیته به پیروزی رساند و یکی از مدعیان جدی بلکه مهم‌ترین مدعی تمدن نوین اسلامی به شمار می‌رود، از نظر مهیاسازی لوازم تمدنی و از دیدگاه تقرب انضمامی به تمدن نوین، در چه وضعیتی به سر می‌برد؟

به‌عبارت‌دیگر، آیا همان‌گونه که انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی در سیر تاریخی خود در شرایط مقتضی ظهور کرد، جامعه پایدار و بلندمدت ایرانی و اسلامی و در امتداد آن تمدن نوین هم ظهور خواهد کرد یا نه؟ بر اساس ارزیابی چه شاخص‌ها و نشان‌گرهایی می‌توان درباره تقرب و یا دور شدن از تمدن نوین قضاوت کرد؟

در طول تاریخ، تمدن اسلامی همواره در صعود و نزول بوده است، اما هیچ‌گاه دچار توقف کامل و نابودی نشده است (خزایی و عیوضی، ۱۳۹۶: ص ۷). چنین به نظر می‌رسد که تمدن اسلامی از نوعی ظرفیت انعطاف‌پذیری برخوردار بوده است که، در مواجهه با بحران‌های تمدن‌برافکن، توانسته مجدداً به حالت تعادلی بازگردد.

جوامع اسلامی، از جمله جامعه ایرانی - اسلامی، در برابر شوک‌های طبیعی و انسانی - اجتماعی شگرفی قرار داشته‌اند. امروز جوامع اسلامی، از جمله جامعه ایرانی، با افزایش عدم قطعیت‌های آینده و آسیب‌پذیری ناشی از شوک‌های بیرونی و غافل‌گیری‌های درونی متعددی مواجه است. در حقیقت زیرساخت‌های تمدنی و اجتماعی جامعه ایرانی در آینده نیز، شاید بیشتر از گذشته، با چالش ضربات هولناک محیطی، از قبیل بحران‌های طبیعی<sup>۱</sup> مثل تغییرات اقلیمی، بلایای طبیعی و بحران‌های<sup>۲</sup>

1. disaster

2. crisis

انسانی و اجتماعی، از قبیل تروریسم، مناقشات منطقه‌ای، شورش‌های اجتماعی، بحران‌های مالی و اقتصادی و بحران‌های اجتماعی و فرهنگی، مواجه خواهد شد. گویا هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند از شوک‌های بنیان‌برافکن، مخاطرات راهبردی و عدم قطعیت‌های ناشناخته آینده اجتناب ورزد.

شواهد تاریخی نشان می‌دهند که جوامع اسلامی، به‌طور بالقوه، دارای ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فوق‌العاده‌ای در مقابل حوادث و بحران‌ها بوده‌اند و در طول تاریخ با تکیه بر این قابلیت‌های درونی خود توانسته‌اند حیات خود را در صحنه تاریخ تمدن استمرار بخشند. امروزه بالفعل‌سازی و شکوفایی این نوع از قابلیت‌ها از ضروریات و نیازهای اساسی به شمار می‌رود.

مسئله اصلی این تحقیق این است که با توجه به اینکه مواجهه با مخاطرات ناشی از عدم قطعیت‌های ناشناخته آینده اجتناب‌ناپذیر است، چگونه می‌توان کنش‌گرانه در جامعه اسلامی-ایرانی ظرفیت‌های انطباق‌پذیری ایجاد کرد، تا با اتکا بر آن‌ها پس از بحران و فاجعه، جامعه بتواند با سرعت به حالت تعادل اولیه، بلکه تعادل متعالی‌تر، باز گردد. چراکه بالا بردن ظرفیت‌های تاب‌آوری جامعه امکان پی‌ریزی پایداری و ثبات بلندمدت را فراهم می‌سازد و پایداری بلندمدت نیز زمینه را برای فرایند متمدن شدن فراهم می‌کند.

بنابراین سؤال اصلی این تحقیق عبارت است از:

- چگونه می‌توان جامعه ایرانی - اسلامی را تاب‌آور ساخت؟

سؤالات فرعی این تحقیق عبارت‌اند از:

- برای تاب‌آورسازی جامعه ایرانی، باید خط‌مشی‌های انطباقی روی چه زیرسیستم‌هایی

اعمال گردد؟

- خط‌مشی‌های انطباقی در هر زیرسیستم کدام‌اند؟

### ۱. مروری بر تحقیقات پیشین

در رابطه با عنوان تحقیق حاضر تاکنون هیچ تحقیقی یافت نشده است. در مدار تحقیقات پیشین، در زمینه تاب‌آورسازی تحقیقاتی انجام شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

یافته‌های تحقیق رابرت هال (۲۰۱۴)، با عنوان «خط‌مشی‌گذاری انطباقی حکمرانی برای تاب‌آوری اجتماعی و توانمندسازی جامعه»، به توصیف تغییرات اقلیمی و شوک‌های جهانی می‌پردازد، خط‌مشی‌گذاری منعطف را راه حل برای تاب‌آوری اجتماعی مطرح می‌کند. در این تحقیق یک روش‌شناسی نه مرحله‌ای، در قالب چرخه حکمرانی انطباق‌پذیر برای ساخت تاب‌آوری اجتماعی، ترسیم شده است. دغدغه اصلی این تحقیق پی‌ریزی سیستم‌های اکولوژیکی-اجتماعی تکامل‌یافته برای تاب‌آوری در مقابل شوک‌های جهانی ناشی از تغییرات اقلیم است (Hall, 2014: pp 949-959).

یافته‌های تحقیق کوین برنر و مایزن-دک (۲۰۱۴)، با عنوان «تاب‌آوری و سرمایه اجتماعی»، دلالت بر این دارد که تاب‌آوری با برنامه‌ریزی و خط‌مشی‌های مراقبت اجتماعی در آمیخته شده است. در این تحقیق، ضمن تشریح اجتناب‌ناپذیر بودن برخورد با شوک‌ها، پی‌ریزی ظرفیت‌های انطباق‌پذیر را پاسخی نوآورانه به شوک‌های اجتناب‌ناپذیر عنوان می‌کند. در این تحقیق بر مشارکت‌های محلی برای پی‌ریزی سرمایه اجتماعی برای مقابل با ضربات طبیعی تأکید شده است (Bernier & Meinzen-Dick, 2014: pp 1-16).

یافته‌های تحقیق الدریچ و می‌یر (۲۰۱۴)، با عنوان «سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری جامعه»، به این موضوع اشارت دارد که به‌رغم فراگیری فجایع مالی و اقتصادی، عمده پژوهش‌های تاب‌آوری بر حوادث فیزیکی و زیرساخت‌های فیزیکی متمرکز دارند و به تاب‌آوری در مقابل رخدادهای اقتصادی و مالی کمتر توجه داشته‌اند. این تحقیق نقش حیاتی سرمایه اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی در خصوص تاب‌آوری سازمان‌های دولتی و غیردولتی را برجسته می‌سازد. بنابراین دستورالعمل‌های سیاستی انضمامی را، برای بقاء و احیاء مجدد سازمان‌های دولتی و غیردولتی از طریق تقویت زیرساخت‌های اجتماعی، در سطح جامعه مطرح می‌کند (Aldrich & Meyer, 2014: pp 1-16).

یافته‌های تحقیق پیغامی و منصور (۱۳۹۵)، با عنوان «برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی تاب‌آور و دلالت‌های راهبردی و اعتباربخش یک مدل ترکیبی برای اقتصاد مقاومتی»، بر تاب‌آوری اقتصاد در مقابل تنش‌ها و مخاطرات حوزه مالی و اقتصادی اشاره دارد. در این تحقیق یک مدل ترکیبی برای اعتباربخشی به اقتصاد تاب‌آور مطرح شده است (پیغامی و منصور، ۱۳۹۵: صص ۴۰-۵).

گیلفاسون و همکاران (۲۰۱۰)، برای تاب‌آوری اقتصادی در مقابل بحران‌های اقتصادی و مالی، خط‌مشی‌هایی از قبیل اصلاح و تعدیل بازار، نظارت‌های کارآمد، تنظیم بازارهای مالی و خط‌مشی‌های تثبیت اقتصاد کلان را مطرح کرده‌اند (Gylfason et al, 2010: p 11). در خط‌مشی‌گذاری‌های رفاهی از مفهوم تاب‌آوری استقبال شده است. هالگیت (۲۰۱۴) در تحقیق خود اشاره می‌کند که بحران‌ها و تنش‌های اقتصادی و مالی، به واسطه اثرگذاری منفی بر دارایی‌ها، عوامل تولید، میزان اشتغال، نابودی معاش و درآمد، موجب کاهش مالیات‌ها و کاهش رفاه اجتماعی می‌شوند. بنابراین خط‌مشی‌های رفاهی باید، از طریق تاب‌آوری، مقاومت اقتصاد را در مقابل تنش‌ها بالا برند (Hallegatte, 2014: p 2).

با مرور تحقیقات پیشین در سطح بین‌المللی و ملی، معلوم می‌شود که این تحقیقات در ارتباط با مفهوم «تاب‌آوری» بر عواملی مانند سرمایه اجتماعی، سرمایه‌های فیزیکی، مثل سرمایه‌های اکولوژیکی، و سرمایه‌های اقتصادی و مالی برای ایجاد ساختارهای تاب‌آور تأکید داشته‌اند. این عوامل در این تحقیق نیز برای توصیه خط‌مشی‌های انطباقی مبنا قرار خواهد گرفت. اما این تحقیق مفهوم تاب‌آوری را، در جامعه اسلامی-ایرانی به منظور تقرب به تمدن نوین آینده، برجسته کرده است. یعنی در این تحقیق تاب‌آوری در درون روایت اسلامی ایرانی و بومی و با جهت‌گیری تمدنی و بلندمدت مطرح شده است. در حقیقت پرداختن به این مفهوم در درون شرایط و امکان‌های انضمامی جامعه و جهت‌دهی تمدنی و آینده‌پردازانه به خط‌مشی‌های تاب‌آوری نقش و سهم این تحقیق را مشروعیت می‌بخشد.

## ۲. چهارچوب نظری

### ۲-۱. بررسی مفهومی تاب‌آوری

تاب‌آوری، معادل انگلیسی resilience، در فرهنگ‌های لغت به معنای خاصیت کشسانی، بازگشت‌پذیری و ارتجاع، قابلیت ارتجاع، فنریت، جهندگی، برگشت‌پذیری، بهبودپذیری، انعطاف‌پذیری و ترمیم‌پذیری معنا شده است.

تاب‌آوری، قبل از هر چیزی، ریشه در سیستم‌های طبیعی و اکولوژیکی دارد. بر این

اساس، تاب‌آوری یعنی توانایی یک سیستم اکولوژیکی برای تحمل آشوب‌ها و بقاء آن سیستم در درون آشوب‌ها، با حفظ رژیم تعادلی خود (Holling, 1973: pp 1-23). این مفهوم بعدها وارد علوم اجتماعی گردید و تاب‌آوری، به‌مثابه امکان رفت‌وبرگشت بین حالت‌ها، تعریف شد (Brock et al, 2002: p 273). یک سیستم تاب‌آور کسب‌وکار سیستمی است که می‌تواند در برابر شوک‌های بازار، بدون از دست دادن ظرفیت‌های تخصیص کارآمد منابع، از یک حالت به حالت دیگر رفت‌وبرگشت کند بدون این که ظرفیت منابع خود از دست دهد (Perrin, 2006: p 418). یکی از پتانسیل‌های شوک و بحران را باید در مفهوم «گسست نهادی»<sup>۱</sup> جستجو کرد. اصولاً نهادها را می‌توان قواعد بازی (مکتوب و /اشکار از قبیل سازمانها و قوانین) و یا قواعد نااشکار و پنهان (مثل توافق‌های نانوشته بین بازیگران اجتماعی) تلقی کرد که استقرار و ثبات جامعه را ایجاد و یا احیاء می‌کنند. نورث دو هدف عمده نهادها را ایجاد نظم و کاهش عدم اطمینان در مبادلات می‌داند (North, 1991: 97-112). مطابق این چارچوب، بسیاری از بحران‌ها از این مسأله یعنی گسست نهادی نشئت می‌گیرد. بدین معنا که جامعه دچار تغییرات و پویایی‌های عمیق و گسترده‌ای شده است، اما نهادهای فقهی - قانون گذاری و نهادهای حکمرانی هنوز در پارادایم‌های پیشین خود متوقف و از حرکت ایستاده‌اند. در حقیقت فاصله بین سیستم‌های رسمی و حاکمیتی و زندگی واقعی مردم نوعی گسست بحرانی ایجاد می‌کند. در توضیح بیشتر این گسست، می‌توان گفت چون نهادهای قدیمی قادر به فهم به‌موقع پویایی‌های رخ داده در مسأله‌های اجتماعی نمی‌شوند در حس و فهم و همچنین در دسته بندی آنها بر اساس عادت‌ها واره‌ها و روتین‌های گذشته عمل می‌کنند. به عنوان مثال، در موضوع زنان، نهادهای پیشین قادر به پویایی‌های رخ داده در جامعه ایرانی از قبیل عاملیت یافتن زنان به هنگام نمی‌شوند و مسأله زنان را در قلمرو مسأله‌های ساده و نظم از قبیل مسأله‌های راهنمایی و رانندگی تقلیل می‌دهند، و با رویکردهای ساده و پروتکلی پلیسی تلاش می‌کنند که جمع و جور کنند. در حالی که در جامعه ایرانی به دلیل تحصیلات، رسانه‌ها و... مسأله‌های زنان مصداق پیچیدگی بالا است، و نیازمند

#### 1. Institutional discontinuity problem

رویکردهای سازگار با زمینه‌های پیچیدگی است. عقب ماندن نهادهای پشین (فقه، قانونگذاری، حکمرانی فرهنگی و...) از پویایی‌ها منجر به گسست نهادی یعنی فاصله نهادهای رسمی از حقیقت زندگی مردم شده، و این گسست و فاصله پتانسیل شکل دهی به بحران‌های اجتماعی و سیاسی را در خود پرورش می‌دهد. یکی از عناصری که با مفهوم تاب‌آوری در آمیخته است ظرفیت انطباق‌پذیری<sup>۱</sup> یا چرخه انطباق‌پذیری<sup>۲</sup> است. در سیستم‌های تاب‌آور یک چرخه انطباق‌پذیری وجود دارد. این چرخه امکان پویایی را برای اکوسیستم‌های پیچیده در مقابل آشوب و اختلال‌ها فراهم می‌سازد. مطالعات تاب‌آوری از سیستم‌های اکولوژیکی آغاز شده، سپس ابعاد اجتماعی به خود گرفته است. امروزه سیستم‌های تاب‌آور به عنوان سیستم‌های اکولوژیکی-اجتماعی<sup>۳</sup> مطرح می‌شوند. امروزه در خصوص دیدگاه‌های مربوط به سیستم‌های تاب‌آور یک نوع تعادل و توازن از نظر پرداختن به منابع طبیعی و پرداختن به سیستم‌های اجتماعی در تحلیل‌ها وارد شده است (Anderies et al, 2004, Ostrom, 2009).

تحول مفهوم تاب‌آوری، برای خط‌مشی‌گذاران اجتماعی، بر این دلالت دارد که برای مواجهه با پیچیدگی‌ها و تاب‌آوری‌سازی جامعه در مقابل عدم قطعیت‌ها هم باید بر منابع فیزیکی (ذخایر طبیعی و ...) و هم باید بر منابع اجتماعی به صورت متوازن بپردازند و در این دو حوزه خط‌مشی‌های انطباقی را در دستور کار قرار دهند.

## ۲-۲. بررسی مفهومی تمدن

تمدن امری تاریخی و اجتماعی است که در بستر مناسب تکوینی امکان ظهور و بالندگی یافته است و یا در حیات خویش با فرود و مرگ و سکون مواجه می‌شود. ظهور و افول، میرایی و زندگی، اعتلا و رکود خصلت‌های برجسته تمدنی است که اندیشه‌ورزان و آینده‌پردازان تمدنی را به تکاپو و جنبش وادار می‌کند. از نظر ابن خلدون تمدن با اجتماع انسانی مترادف است (ابن خلدون، ۱۳۶۶: ص ۵۷). از دیدگاه ویل دورانت،

1. adaptive capacity
2. adaptive cycle
3. Social-Ecological Systems (SESs)



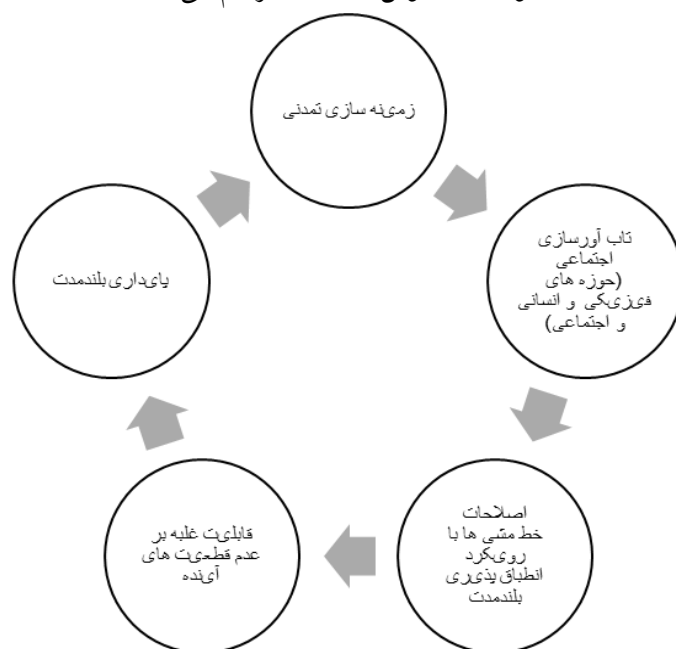
تمدن عبارت است از یک بستر نظم اجتماعی که بر اساس این نظم اجتماعی فعالیت‌های فرهنگی امکان ظهور پیدا می‌کنند (دورانت، ۱۳۷۸: ص ۱۰۳). هانتینگتون تمدن را یک وجود فرهنگی تلقی می‌کند (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ص ۴۴). از منظر هرسکویتس، تمدن عبارت است از مجموعه‌ای از دانش‌ها، هنرها، فنون، آداب و رسوم مبتنی بر نهادهای اجتماعی که بر اساس پیش‌ران‌های اختراعات فناوری و فعالیت‌های فردی و گروهی در سیر تاریخی تکامل و توسعه می‌یابد (روح الامینی، ۱۳۷۷: ص ۴۹). از نظر لوکاس، تمدن یک پدیده درهم‌پیچیده و درهم‌تنیده است از رخدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، هنری و ادیبانی (لوکاس، ۱۳۶۷: ص ۱۶). شریعتی تمدن را مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی تعبیر می‌کند (شریعتی، ۱۳۵۹: ص ۵). توین بی تمدن را حاصل کنش عاملیت نوآوارنه و نبوغ طبقه ممتاز جامعه تلقی می‌کند، از نظر او این اقلیت نخبه و طبقه ممتازند که تمدن را پدید می‌آورند (توین بی، ۱۳۷۶: ص ۱۵۴). از نظر علامه جعفری شکل‌گیری تمدن در عوامل متعددی ریشه دارد، اما عدالت و کرامت انسانی مهم‌ترین نیروی اصلی حفظ و پایدارسازی تمدن به شمار می‌رود و عدالت و کرامت انسانی هم در اعتراف و تصدیق حقانیت الهی است، در غیر این صورت سقوط تمدن حتمی و قطعی است (جعفری، ۱۳۷۳: ص ۴۶).

از نظر نگارنده مقاله، تمدن امری تأسیسی نیست، بلکه امری تاریخی-اجتماعی و تکوینی است که در بستر مناسب اجتماعی و در سیر تاریخی خود در شرایط مقتضی و به صورت طبیعی ظهور می‌کند، البته این دیدگاه به معنای خنثی بودن سوژه نیست، بلکه سوژه (مانند دولت‌ها و سازمان‌ها، افراد و گروه‌ها) در کنار سایر عوامل شناخته شده و ناشناخته امکان ظهور یا افول تمدن را ممکن می‌سازند. بر این اساس، کلان‌خط‌مشی‌ها و کلان‌راهبردها شرایط را برای ظهور و تکوین آماده می‌سازند و نه تأسیس آن. خلاصه از نظر محقق، تمدن امری تکوینی است و نه تأسیسی.

### ۳-۲. ارتباط تاب‌آوری اجتماعی با تمدن نوین آینده از طریق مفهوم پایداری بلندمدت

باید توجه داشت که خط‌مشی‌های تاب‌آوری اجتماعی، با فشارها و ضربات داخلی و خارجی و نحوه تاب‌آوری جامعه در مقابل شوک‌های بیرونی، سروکار دارند.

یعنی تاب‌آوری اجتماعی به‌طور مستقیم با اعتلا یا ظهور تمدن ارتباطی ندارد، بلکه از طریق یک مفهوم واسطه‌ای، به نام پایدارسازی یا پابرجاسازی جامعه، زمینه را برای ظهور و یا اعتلای تمدنی مهیا می‌کند. به‌طور کلی پیامدهای تاب‌آوری اجتماعی در حوزه‌های اکولوژیکی-اجتماعی پی‌ریزی جامعه ایرانی بلندمدت و باثبات است. وقتی که جامعه پایدار و بلندمدت پی‌ریزی شد، منابع تکوین اجتماعی و تاریخی بستر را برای تقویت، اعتلا و یا ظهور تمدن نوین در آینده فراهم می‌سازند.

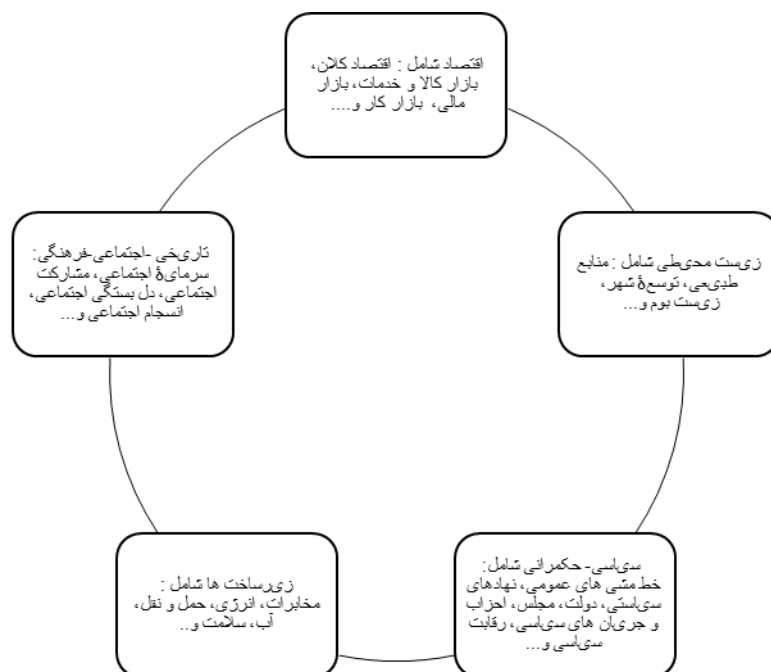


شکل ۱: رابطه تاب‌آوری اجتماعی با تمدن نوین از طریق مفهوم واسطه

#### ۴-۲. زیرسیستم‌های کلیدی برای تاب‌آوری جامعه ایرانی

در این بخش، بر اساس ادبیات حوزه تاب‌آوری، مطالعهٔ تئوریک و انجام مصاحبه با نخبگان پنج زیرسیستم اصلی برای تاب‌آوری جامعه ایرانی، به منظور پایداری بلندمدت و زمینه‌سازی برای تمدن، در نظر گرفته شده است. در پاسخ به این پرسش که چه چیزی یک جامعه را به‌مثابهٔ یک سیستم کلان تاب‌آور می‌سازد، باید در این نکته تأمل کرد که برخلاف سازه‌های فنی (مثل بناها و پل‌ها) سیستم جامعه پیچیده‌تر از آن

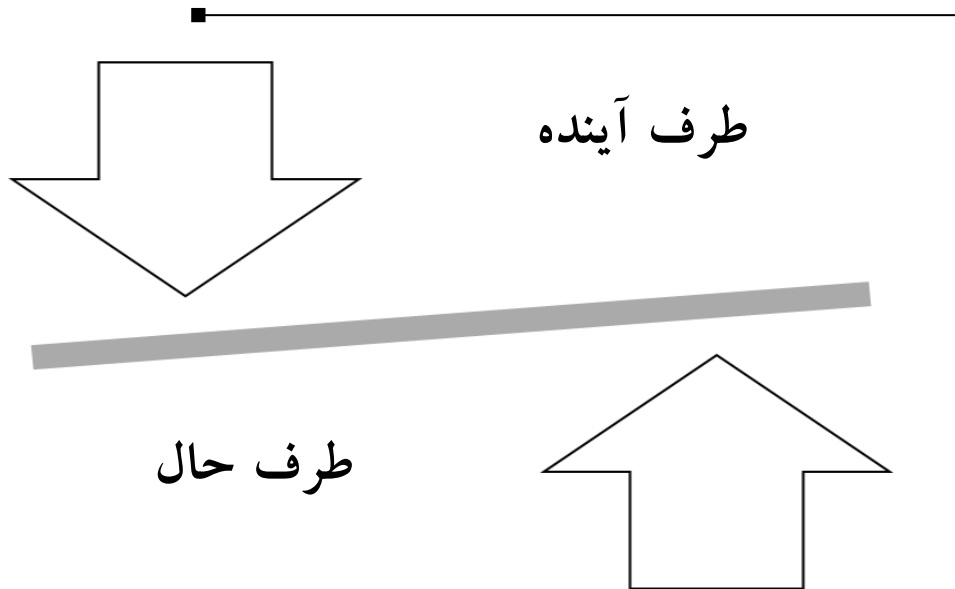
است که بتوان با محاسبات کمی، تنش‌های آینده را پیش‌بینی کرد، لذا با تکیه بر تفکر سیستمی، به مؤلفه‌های کلان و کلی از منظر بازبایی توجه شده است. نکته کلیدی این است که اگرچه، برای ساده‌سازی بحث، زیرسیستم‌های سیستم جامعه از هم تفکیک شده‌اند، در واقعیت اجتماعی، این زیرسیستم‌ها از هم مستقل نیستند، بلکه در یک فراگرد تعامل و ارتباط متقابل همدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند.



شکل ۲: چرخه انطباق‌پذیری خط‌مشی‌ها برای تاب‌آوری جامعه ایرانی

## ۲-۵. منطق انطباق‌پذیری خط‌مشی‌ها با رویکرد تاب‌آوری

منظور از انطباق‌پذیری خط‌مشی‌های حوزه‌های کلیدی این است که بین ذی‌نفعان کوتاه‌مدت و ذی‌نفعان بلندمدت نوعی تعادل و توازن ایجاد شود. به عبارت دیگر بین خروجی‌های کوتاه‌مدت و پیامدها و اثرات بلندمدت خط‌مشی‌هایی که در حوزه‌های کلیدی انتخاب شده‌اند و ممکن است به وضعیت جدلی‌الطرفینی رسیده باشند تناسب ایجاد شود.



شکل ۳: منطق اصلاح و انطباق خطمشی‌ها برای ایجاد تاب‌آوری

تعداد بخشی به وضعیت‌های جدلی‌الطرفینی امر آسانی نیست، به‌ویژه وقتی که خطمشی‌گذار بخواهد، با رویکرد بلندمدت، سیاست‌ها را به نفع طرف آینده و به زیان طرف کوتاه‌مدت اصلاح کند. در اینجا نوعی تقوای سیاستی و جهاد با نفس، در مقیاس جمعی و اجتماعی، لازم است تا خطمشی‌گذار بتواند به اخذ خطمشی‌های دشوار اقدام کند. همان‌گونه که در شاکله فردی بین جنود نفس عجول و شتاب‌زده و جنود عقل‌دوراندیش جنگی تمام‌نشدنی در جریان است، در شاکله‌های جمعی (اجتماع، کشور، دولت و ...) این جنگ، شدیدتر و پیچیده‌تر، در جریان است. تعادل‌بخشی بین حال و آینده مستلزم پذیرش حقوق دیگران (نسل آینده و ...)، عندالزوم گذشتن از انتفاع لحظه‌ای برای مصالح بلندمدت، داشتن صبوری و استقامت، ابتکار عمل و خلاقیت، تعامل‌پذیری و ارزش‌آفرینی است. تعادل‌بخشی قابلیت تاب‌آوری جامعه را در مقابل عدم قطعیت‌های ناشناخته آینده افزایش می‌دهد و امکان پایداری را مهیا می‌سازد.

### ۳. روش تحقیق

در تحقیق حاضر، جهت جمع‌آوری داده‌های تحقیق از روش تحلیلی-توصیفی و فن

مصاحبه و انجام مصاحبه عمیق و تخصصی از کارشناسان و متخصصان تاب‌آوری، خط‌مشی‌گذاری عمومی، اقتصاد و جامعه‌شناسی استفاده شده است. از میان روش‌های نمونه‌گیری، باتوجه به اهداف پژوهش، از نمونه‌گیری قضاوتی استفاده شده است. در نمونه‌گیری قضاوتی، واحدهای نمونه باتوجه به ذهنیت پژوهشگر انتخاب می‌شوند، پژوهشگر تلاش می‌کند نمونه‌هایی را که معرف جمعیت باشند گزینش کند. در این تحقیق، فراگرد مصاحبه تا مرحله اشباع نظری پیگیری شده است. اشباع نظری معیاری است برای تعیین نمونه‌ها که بر مبنای آن پژوهشگر تا حد اشباع مصاحبه‌ها را انجام داده است. اشباع سطح و حدی است که پاسخ به سؤال‌های عمده پژوهش اشباع می‌شوند و داده‌های جدیدی در فراگرد جمع‌آوری اطلاعات داده دیگر ایجاد نمی‌شود. در نگارش این مقاله، با انجام ۱۰ مصاحبه با متخصصان حوزه‌های تاب‌آوری، خط‌مشی‌پژوهشی، اقتصاد و جامعه‌شناسی، اشباع نظری حاصل شد. مصاحبه با متخصصان این حوزه‌ها آن‌قدر استمرار یافت که دیگر پاسخ‌های جدیدی در فراگرد مصاحبه به دست نیامد و پاسخ‌ها به حالت تکرار در آمد و فراگرد مصاحبه به پایان رسید. در جدول ۱ مشخصات مصاحبه‌شوندگان آمده است.

جدول ۱: مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	مصاحبه‌شوندگان	تعداد		مدرک تحصیلی	
		مرد	زن	کارشناسی ارشد	دکتری
۱	سیستم دینامیک	۱			
۲	روان‌شناسی عمومی	۱			
۳	علوم شناختی	۱			
۴	روان‌شناسی بالینی	۱			
۵	خط‌مشی‌گذاری	۲			
۶	اقتصاد و اقتصاد مقاومتی	۲			
۷	جامعه‌شناسی	۲			

باتوجه به حوزه‌های تخصصی، پرسش‌های هر حوزه تخصصی به صورت مجزا تدوین گردید. در مراحل بعدی، به صورت تشریحی، از نحوه ارتباط تاب‌آوری با

پایداری و تمدن پرشش شد. از همه مصاحبه‌شوندگان درباره خط‌مشی‌های انطباق‌پذیر در راستای ارتقاء تاب‌آوری برای غلبه بر عدم قطعیت‌ها، پایداری و زمینه‌سازی اعتلا یا ظهور تمدن نوین پرسیده شد.

#### ۴. یافته‌های تحقیق

یکی از عوامل و زمینه‌های دوری از تمدن و جامعه بلندمدت، طرح‌های بی‌جهت و بدون وجه دولت‌ها برای پاسخ‌گویی‌های نمایشی و جلب رضایت مردم در بازه زمانی کوتاه مدت است. طرح‌ها، سیستم‌ها، و کنش‌های سیاستی دولت‌های جمهوری اسلامی وقتی تمدنی تلقی می‌شوند، که هر اقدام و برنامه از قبیل توسعه کسب و کارها (هر چند مردم دوستانه و مردم‌پسندانه) باید ذیل یک طرح تمدنی قدرت‌آفرین توجیه و در خدمت خلق قدرت ملی توجیه شوند. در غیر اینصورت، طرح‌های ساده لوحانه منجر به وارد شدن بازیگران ضعیف، و در نهایت سست شدن میدان کسب و کار و صنعت و... می‌گردد.

#### ۴-۱. زیرسیستم زیرساخت‌ها

##### ۴-۱-۱. حوزه نفت

مطابق مصاحبه با نخبگان، یکی از مخاطره‌های راهبردی که ممکن است پایداری جامعه ایرانی را، در افق زمانی آینده، در معرض آسیب‌پذیری جدی قرار دهد بحث نفت است. در تاریخ معاصر، نفت یکی از مباحث جدی اقتصاد سیاسی و میراث سیاستی ایران بوده است. عامل نفت تأثیر بینادینی در وضعیت کشورهای اسلامی و جامعه ایران در دوره جدید داشته است. گذشته و حال جوامع اسلامی و ایران نفتی است و آینده آن‌ها نیز نفتی خواهد بود. اعمال خط‌مشی‌های انطباقی در حوزه نفت باعث می‌شود تا اقتصاد نفتی متکی بر خام‌فروشی در یک فراگرد «تبدیل راهبردی» به اقتصاد نفتی مولد و ارزش‌آفرین تبدیل شود.

شواهد عینی نشان می‌دهد که دوران دسترسی به درآمدهای سرشار نفتی حاصل از خام‌فروشی به پایان رسیده و لازم است چرخه مولدسازی این منبع در دستور کار قرار گیرد.

در حقیقت اقتصاد نفتی خام‌فروشی موجب کاهش تاب‌آوری جامعه ایرانی در مقابل عدم قطعیت‌ها و شوک‌های جهانی می‌شود، در نتیجه کاهش تاب‌آوری اجتماعی، پایداری و ثبات جامعه هم دچار آسیب جدی می‌شود و زمینه‌های بالندگی و یا ظهور تمدن نوین در افق زمانی آینده سلب خواهد شد. بنابراین، باید در خصوص ممکن کردن «تبدیل راهبردی» خام‌فروشی به نفت مولد به دلالت‌های سیاستی توجه کرد.

#### ۱-۱-۱-۴. خط‌مشی انطباقی: ترویج گفتمان عدالت بین‌نسلی

اندیشه‌ورزی، در خصوص نفت و معنابخشی به نفت با رویکرد عدالت بین‌نسلی، از خط‌مشی‌های انطباقی است که فضای عمومی و خط‌مشی‌گذاری کلان را آماده می‌سازد تا با توجه به بین‌نسلی بودن این منبع راهبردی از اتلاف و مصرف فراتر از حد آستانه آن جلوگیری شود و به سهم طرف آینده تعرض نشود.

#### ۲-۱-۱-۴. خط‌مشی انرژی تاب‌آور

فراوانی<sup>۱</sup> یکی از ویژگی‌های انرژی تاب‌آور به شمار می‌رود. فراوانی یعنی داشتن ظرفیت اضافی برای پشتیبانی، در صورت بروز اختلال و شوک و حفظ کارکردهای محوری. سیستم انرژی تاب‌آور سیستمی است که به دلیل برخورداری از فراوانی منابع انرژی و دسترسی به تنوع راه حل‌ها، در صورت بروز بحران از طریق ظرفیت‌های اضافی، احتمال فروپاشی در آن کاهش می‌یابد و از سرایت آشوب به سایر زیرسیستم‌ها جلوگیری می‌شود. مسئله انرژی از مصادیق مسائل پیچیده و چندبعدی به شمار می‌رود که سیاست‌گذاری در خصوص آن مستلزم نگرش‌های تاب‌آوری و پایداری است. در بسیاری از کشورهای جهان، ذخایر استراتژیک، فناوری‌های صرفه‌جویی و تنظیم و تعادل‌بخشی به حفظ و گسترش شبکه‌های خانگی در دستور کار قرار دارد که البته این واکنشی طبیعی است. در کشور ایران هم مسئله انرژی موقعیت پیچیده و حساس در قبال مسائل امنیتی منطقه را داراست، اما به‌رغم این پیچیدگی‌ها، شواهد نشان می‌دهند که در چند دهه اخیر بعد از انقلاب اسلامی، با انگیزه‌های خالص و خیرخواهی و با احساس تکلیف دینی و ملی، دورترین مناطق کشور به شبکه‌های گازرسانی متصل

1. redundancy

شده‌اند، مناطقی که در گذشته به صورت سنتی و طبیعی تأمین انرژی می‌شدند حالا از امکانات خدادادی انرژی بهره‌مند می‌شوند. گویا انگیزه و عشق و حرارت خیرخواهی و دلسوزی به مردم آن قدر قوی بوده است که به لایه‌های پیچیده و پیامدهای سیاست توسعه انرژی ارزان در افق زمانی کمتر توجه شده است. با توجه به حساسیت چندبرابری انرژی برای ایران، به دلیل انقلابی‌گری و مقابله با استکبار جهانی و چالش‌های پیچیده منطقه غرب آسیا، سیاست توسعه انرژی، بدون توجه به الزامات منطقه، واکنشی غیرطبیعی به نظر می‌رسد.

خط‌مشی‌های ساده‌انگارانه حتی با انگیزه خیرخواهی (کوتاه‌مدت) موجب مصرف بی‌رویه منابع انرژی در کوتاه‌مدت و به خطر افتادن کشور در مواقع بروز آشفتگی‌ها و بحران‌ها خواهد شد. بنابراین به منظور پایدارسازی بلندمدت جامعه ایرانی، لازم است در راستای تاب‌مهندسازی جامعه بین گسترش بهره‌مندی جامعه از منابع انرژی و حفظ زیرساخت‌های حیاتی و منابع اضافی برای پشتیبانی کشور تعادل‌یابی گردد. تاب‌آورسازی زیرساخت‌ها و منابع انرژی، به‌مثابه یکی از اصلی‌ترین پیش‌ران‌های تمدن نوین، از ضروریات استحکام درونی جامعه ایرانی محسوب می‌شود.

#### ۲-۱-۴. توسعه شهری تاب‌آور

مطابق مصاحبه، یکی از مؤلفه‌هایی که ممکن است مخاطرات جدی از آن نشئت بگیرد و پایداری جامعه ایرانی را تهدید کند بحث توسعه شهری است.

یکی از کنش‌های سیاستی که برغم ظاهر خوب و مردم‌پسند آن، از طریق تخصیص منابع محدود در مسیرهای انحرافی موجب از بین رفتن ظرفیت‌ها و قابلیت‌های تاب‌آوری گردد، طرح‌های بی‌جهت و بی‌ارتباط از قبیل مسکن‌سازی است.

مسکن‌سازی به دور از طرح کلان توسعه شهری، و به دور از طرح سیاسی قدرت، اگر چه ممکن است تا حدی محدود مردم را صاحب مسکن کرده و رضایت‌آفرین باشد. اما لازم است این طرح اولین در ذیل یک طرح بزرگتر توسعه شهری، و مهم‌تر از آن در ذیل طرح سیاسی قدرت توجیه شود. در ذیل توسعه شهری به عنوان یک چرخه در ارتباط هماهنگ و کارآمد با اکوسیستم قرار گیرد.



اما در ذیل طرح سیاسی قدرت به معنای آن است که وزارت مسکن به جای مسکن سازی محدود و دلخوشی به اشتغال محدود آن، در ذیل طرح سیاسی قدرت از قبیل طرح اورسیا (که برآمده از فهم معادلات جدید قدرت در جهان است) قرار گیرد و به جای مسکن سازی، ماموریت‌های بزرگتری از قبیل کریدور را بر عهده گیرد. در طرح کریدور که در ذیل طرح قدرت سیاسی کشور است، مسکن سازی، اشتغال زایی، حمل و نقل، و... هم در یک موقعیت تازه و در بازارهای بزرگتر منطقه‌ای بسیار فراتر از طرح‌های انفعالی داخلی و محدود شکل می‌گیرد. طرح‌های بی جهت و بی ارتباط با کلیت‌های بزرگتر یکی از تله‌های مهم کاهش تاب آوری است.

خط‌مشی‌های چگونگی توسعه شهری یکی از مؤلفه‌هایی است که با پایداری اجتماعی ارتباط وثیقی دارد. یعنی، در بستر توسعه پایدار شهری، امکان اعتلای تمدن نوین آینده فراهم می‌شود. در خط‌مشی توسعه شهری کاهنده تاب‌آوری، شهر با زمین و طبیعت هیچ پیوندی ندارد. در این خط‌مشی کوتاه‌مدت‌نگر، رشد شهر بر اثر درآمدهای مؤلفه خام‌فروشی مختل می‌شود. چراکه توسعه شهر با تزریق درآمدهای خام‌فروشی ناهمگون، غیرطبیعی، نامتوازن و باشتاب و افسارگسیخته صورت می‌گیرد. در خط‌مشی کاهنده تاب‌آوری، با محوریت توسعه شهری، سازمان‌ها و نهادهای عمومی و شهرها، به‌جای توسعه بر اساس قابلیت‌های طبیعی-انسانی در مطالبه‌گری کوتاه‌مدت، تلاش می‌کنند هر چه بیشتر درآمدهای خام‌فروشی را به خود اختصاص دهند. در منطق خط‌مشی کاهنده تاب‌آوری، شهر بر اساس ظرفیت‌های انسانی، فرهنگی و طبیعی و با مشارکت شهروندان از قبیل پرداخت مالیات و عوارض شهروندی و به‌صورت سیر تکاملی توسعه نمی‌یابد، بلکه از هوس‌های کوتاه‌مدت جریان‌های سیاسی و بدون هیچ‌گونه نسبتی و تناسبی با کالبد اولیه و ناسازگار با زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، امنیتی و محیط‌زیست تحمیل می‌شود.

برای زمینه‌سازی بالندگی تمدن نوین، ضروری است تا از خط‌مشی توسعه شهری مبتنی بر خام‌فروشی به سوی خط‌مشی توسعه شهری تاب‌آور حرکت کنیم تا امکان شهر پایدار فراهم شود. در منطق خط‌مشی‌های تاب‌آور شهری، هر شهری متناسب با کالبد اکولوژیکی و در پیوند عمیق با زمین و زمان توسعه می‌یابد. توسعه شهری

تدریجی و طبیعی و بر اثر مشارکت شهروندان است. توسعه در بستر مسیر تاریخی و فرهنگی شهر، به‌مثابه یک کنش طبیعی به نیازهای شهر، رخ می‌دهد. هر شهری از یک نقطه آغازین بلندمدت و پایدار مثل یک صنعت یا بازرگانی ژرف و پایدار شروع به توسعه می‌کند.

از خط‌مشی‌های انطباقی در حوزه توسعه شهری، تمایز بین توسعه شهری دولتی و توسعه شهری بازار آزاد است. به نظر می‌رسد که بهتر است در مناطق شهری توسعه‌یافته، مثل کلان‌شهرها که نقاط موفقیت بازار آزاد بازار در توسعه شهری و مسکن به شمار می‌رود، دولت از ورود مستقیم و تصدی‌گری خودداری کند. در مناطق قوت بازار دولت بهتر است با کنترل راهبردی نقش هدایت و خط‌مشی‌گذاری کلان را بر عهده بگیرد. اما در کشور، قابلیت‌های بالقوه‌ای وجود که اگر به شکوفایی برسند، نقش قابل توجهی در پایدارسازی بلندمدت دارند. توسعه مناطق بکر و تازه، مثل سواحل مکران، از جمله آن‌ها به شمار می‌رود. از آنجاکه توسعه شهر در مناطق بکر، مثل مکران، ممکن است در نقطه شکست بازار محسوب شود، یعنی بخش خصوصی و بازار علایق و منافی برای توسعه این مناطق نداشته باشند، بهتر است دولت در خصوص توسعه شهری فقط در نقاط شکست بازار، مثل توسعه سواحل مکران، به‌طور تمام‌عیار وارد شود. توسعه شهری و شهریت در مناطق بکر، به‌جای توسعه حاشیه شهرهای کلان، نوعی ریل‌گذاری به سوی توسعه شهری پایدار است و توسعه شهری پایدار زمینه را برای بالندگی تمدن فراهم می‌سازد. نکته کلیدی این است که خط‌مشی‌های توسعه شهر باید از مفهوم «حومه‌شهر» به سمت «دریاشهر» چرخش کند. یعنی دولت باید تمرکز خود را از توسعه و بزرگ کردن حومه شهرهای کلان، که منابع شکل‌گیری بحران‌های کاهنده تاب‌آوری است، به سوی مناطق بکر و سواحل دست‌نخورده، مانند مکران، سوق دهد. تبدیل انطباقی راهبردی، برای توسعه شهری تاب‌آور، حرکت از «حومه‌شهر» به «دریا شهر» است.

### ۳-۱-۴. حمل و نقل تاب‌آور

باتوجه به مصاحبه با متخصصان، یکی از حلقه‌های مفقوده جامعه تاب‌آور وجود

حمل‌ونقل تاب‌آور است. تاکنون خط‌مشی حمل‌ونقل بین‌شهری، در جامعه ایرانی، عمدتاً حول اتوبان‌سازی و حمل‌ونقل جاده‌ای بوده است. یعنی دولت‌ها، برای غلبه بر ترافیک، با صرف سرمایه‌های زیادی اقدام به احداث اتوبان‌ها و بزرگراه‌ها کرده‌اند. اگرچه اتخاذ این خط‌مشی حمل‌ونقلی در کوتاه‌مدت از بار ترافیک می‌کاهد، در بلندمدت، این خط‌مشی تاب‌آوری جامعه را کاهش می‌دهد. چراکه خود همین اتوبان‌ها و بزرگراه‌ها باعث مهاجرت و واردات بیشتر خودرو و عرضه فراتر از تحمل جاده‌ها، تلفات انسانی سنگین جاده‌ای، آلودگی محیط‌زیست و تخریب منابع طبیعی، به دلیل ازدیاد سفرها، افزایش مشاجرات و نزاع‌های ناشی از فشار ترافیک، از بین رفتن بافت‌های سنتی و بومی به بهانه توسعه، اضمحلال منابع راهبردی بین‌نسلی انرژی مثل اتلاف بنزین و گاز و ... می‌شود. خط‌مشی حمل‌ونقل جاده‌ای، علاوه بر پی‌آمدهای بلندمدت، یک نوع گفتمان سبک زندگی و کنش شهروندی را برمی‌سازد. این گفتمان رفتارها و کنش‌های سفر را شکل می‌دهد و یک نوع چسبندگی و وابستگی هم ایجاد می‌کند. یعنی وقتی سبک زندگی و سفر مردم بر اساس حمل‌ونقل جاده‌ای پایه‌گذاری شود، گاهی، با وجود آگاهی مردم از نارسایی‌های این سبک سفر، به دلیل رسوب شدن این سبک در ذهن جمعی، همچنان ادامه می‌یابد.

خط‌مشی انطباقی برای تاب‌آورسازی جامعه، به منظور پایدارسازی اجتماعی، شیفت و یا تقویت حمل‌ونقل شهری از جاده‌ای به حمل‌ونقل ریلی است. حمل‌ونقل ریلی به حمل‌ونقل جاده‌ای، از نظر پایدارسازی اجتماع در بلندمدت، ترجیح دارد؛ چراکه ایمنی بیشتر، محیط‌زیست پاک‌تر، آرامش روانی بالاتر، صرفه‌جویی بیشتر در انرژی صورت می‌گیرد و با جامعه تاب‌آور پایدار همسویی بیشتری دارد و زمینه را برای اعتلا و یا ظهور تمدن بهتر فراهم می‌سازد. تبدیل انطباقی راهبردی برای تاب‌آورسازی حمل‌ونقل بین‌شهری حرکت از مفهوم «جاده‌پایه» به «ریل‌پایه» است.

#### ۴-۱-۴. اکوسیستم تاب‌آور

یکی دیگر از عوامل کلیدی پایداری بلندمدت جامعه ایرانی، وجود زیست‌محیط تاب‌مند است. به نظر می‌رسد که خط‌مشی‌های اتخاذشده در خصوص مسئله آب، هوا،

خاک، تنوع زیستی، پوشش گیاهی و ... از تاب‌آوری اثربخشی برخوردار نبوده و یا کاهنده تاب‌آوری بوده‌اند. درمورد خط‌مشی‌های مربوط به آب چنین بوده است که بر اثر توسعه ناگهانی عمران کشاورزی در دهه پنجاه چاه‌های فراوان، مجاز و غیرمجاز فراتر از تحمل منابع آب، حفر گردید و منابع آب آیندگان هم پیش‌خور شد. یکی از خط‌مشی‌های کاهنده تاب‌آوری انتقال منابع آب از زیست‌بوم طبیعی و تاریخی خود بوده است. یعنی منابع آبی که به‌صورت طبیعی و تاریخی متعلق به یک استان خاص بوده است، به بهانه‌هایی مانند اولویت آب شرب، از زیست‌بوم تاریخی و طبیعی خود جدا شده و به یک استان دیگر منتقل شده‌اند. این نوع جابه‌جایی‌های فاقد منطق زمینه‌ساز «جنگ آب‌ها» بین استان‌ها و کاهش سرمایه اجتماعی و آسیب‌پذیری پایداری می‌گردد. یکی دیگر از خط‌مشی‌های کاهنده تاب‌آوری اکوسیستم گسترش راه‌ها و جاده‌ها حتی به مناطق کوهستانی و جنگلی بوده است که با ورود خودروها و سپس ویلاسازی زمینه فروپاشی کیفیت خاک و از بین رفتن پوشش گیاهی فراهم شده است. از آنجاکه تمدن نوین در بستر قابلیت‌های طبیعی و اکوسیستم امکان ظهور پیدا می‌کند، باید با تدوین شاخص‌هایی مانند شاخص پوشش گیاهی و کیفیت خاک از قابلیت‌های طبیعی بین‌نسلی بیشتر مراقبت کرد. برای تبدیل انطباقی راهبردی در ارتباط با منابع آب تاب‌آور و اکوسیستم تاب‌آور برای مواجهه با عدم قطعیت‌های ناشناخته آینده، ابتدا باید نهادهای فرابخشی و بین‌نسلی، در مقابل نهادهای بخشی، تقویت شوند. نهادهای فرابخشی، بر اساس همه‌ذی‌نفعان و طرف‌ها از جمله نسل آینده، منابع حیاتی آب را توزیع می‌کند. یکی از خط‌مشی‌های انطباقی در تاب‌آوری منابع آب این است که فضای سبز شهرها بر اساس واقعیت‌های بومی آن‌ها تنظیم شود. مثلاً اگر سرشت و ماهیت زیست‌بوم شهر تهران به گونه‌ای است که بارش در آن کم است، نباید توسعه پارک‌ها و فضای سبز آن با چمن‌های وارداتی پرمصرف کشورهای اروپایی صورت گیرد. چراکه این نوع چمن و گیاهان با مناطق پربارش تناسب دارد. یکی از خط‌مشی‌های کاهنده تاب‌آوری این است که از منابع حیاتی و کمیاب آب برای زیبایی کلان‌شهرها استفاده شود یعنی گیاهان تزئینی پرمصرف وارد می‌شوند و سپس با کاشت آن‌ها الگوهای زیباشناسی مردم، به‌طور معیوب، شکل می‌گیرد. این نوع خط‌مشی‌ها، به

دلیل بیگانگی با واقعیت‌های زیست‌بوم، نوعی تله و دام برای نابودی منابع آب محسوب می‌شوند. چه کسی گفته است که زیبایی سنگ کمتر از چمن است؟! در کلان‌شهرهای کم‌بارش مثل تهران، باید زیبایی‌شناسی شهر را با واقعیت‌های بومی آن، مثل سنگ، تنظیم کرد. باید سنگ را هنرمندانه معنابخشی کرد و از آن زیبایی شهری را انکشاف کرد.

توسعه پارک‌ها و فضای سبز شهری، بدون توجه به اقتضات بومی، موجب می‌شود تا منابع حیاتی آب از کشاورزی منحرف شود و به دام توسعه شهری معیوب بیفتد و تاب‌آوری جامعه ایرانی در مقابل عدم قطعیت‌های آینده کاهش یابد. از دیگر خط‌مشی‌های انطباقی این است که کشاورزی بر اساس اقتضات بومی هر منطقه صورت گیرد. یعنی درختان و گیاهان پرمصرف، مثل گیلاس، در مناطق پربارش و گیاهان و محصولات قانع و نجیب (کم‌مصرف)، مثل سنجد و بادام، در مناطق کم‌بارش کاشته شوند.

## ۲-۴. سیاسی - حکمرانی

خط‌مشی نحوه تعامل دولت و مردم از مؤلفه‌های مهم تأثیرگذار بر پایداری بلندمدت است و زمینه‌ساز ظهور و یا افول تمدن آینده می‌تواند باشد. در خط‌مشی کاهنده تاب‌آوری، تعامل دولت و مردم در افق زمانی کوتاه‌مدت رخ می‌دهد. یعنی مطالبات مردم از دولت و پاسخ به مطالبات مردم از سوی دولت فقط در بازه زمانی کوتاه‌مدت تصورپذیر است. به عبارت دیگر، کنش مطالبه‌گری از سوی مردم، در جایگاه رأی‌دهنده، و کنش پاسخ به مطالبات مردم از سوی دولت، در جایگاه رأی‌گیرنده، در کوتاه‌مدت با هم تلاقی می‌کنند. در این خط‌مشی، مطالبات رفاهی کوتاه‌مدت همواره درخواست می‌شود و کنش دولتی هم برداشت از منابع بین‌نسلی و پیش‌خور کردن آینده است. حاصل چنین کنش مردمی و دولتی کاهش تاب‌آوری و از بین رفتن استقامت در گردنه‌های دشوار گذار به آینده است. خط‌مشی‌های کاهنده تاب‌آوری، در تعامل مردم و دولت، باعث می‌شوند تا در درازمدت بار تکفل دولتی، به دلیل انباشتگی بیش از حد، به حالت بحرانی برسد و در این میان سهم آیندگان از منابع بین‌نسلی به محاق رود.

یعنی کشور در بلندمدت و در آینده فاقد قابلیت‌های راهبردی خواهد بود، چراکه قابلیت‌ها و منابع بین‌نسلی در کوتاه‌مدت پیش‌خور شده‌اند.

برای افزایش تاب‌آوری اجتماعی و پی‌ریزی جامعه پایدار و بلندمدت، باید از خط‌مشی‌های کاهنده تاب‌آوری در خصوص تعامل مردم و دولت به سوی خط‌مشی‌های افزایش‌دهنده تاب‌آوری حرکت کرد. در خط‌مشی انطباقی تعامل دولت و مردم، رابطه دولت و مردم، علاوه بر افق زمانی کوتاه‌مدت، در افق زمانی بلندمدت هم معنا پیدا می‌کند. مثلاً اگر دولتی در کوتاه‌مدت با استخدام‌های دولتی بی‌رویه بتواند در ظاهر خود را در مهار بیکاری موفق نشان دهد، پیامدها و تأثیرات این خط‌مشی در میان‌مدت و بلندمدت بر روی بزرگ شدن بخش دولتی و بحران‌های ناشی از بارتکفل دولتی هم ارزیابی می‌شود. در خط‌مشی انطباقی، رابطه مردم و دولت با رویکرد بلندمدت و پایداری جامعه اصلاح می‌شود.

در موقعیت شکنندگی، که نقطه مقابل تاب‌آوری است، دولت و مردم به‌صورت شکننده تجلی پیدا می‌کنند. در بستر دولت و مردم شکننده دو اتفاق روی می‌دهد. اول، منابع بین‌نسلی، که برای پایداری کشور در آینده بسیار لازم است، اتلاف می‌شود؛ دوم، قابلیت‌های پویا و پایدار و بلندمدت در جامعه امکان فعلیت نمی‌یابد. بنابراین از طریق خط‌مشی‌های انطباقی باید از دولت و مردم شکننده به سوی دولت و مردم تاب‌آور حرکت کرد. مراقبت از منابع و شکوفایی قابلیت‌ها ستون فقرات جامعه پایدار و بلندمدت به شمار می‌رود.

#### ۱-۲-۴. اصلاح قواعد کسب قدرت سیاسی

یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر پایداری بلندمدت جامعه نحوه رقابت احزاب و جریان‌های سیاسی است. یکی از نقطه‌های اهرمی رقابت سیاسی دوره‌های انتخابات است. در خط‌مشی‌های کاهنده تاب‌آوری، میدان بازی انتخابات به گونه‌ای است که احزاب و جریان‌های سیاسی ذائقه کوتاه‌مدت مردمی را تحریک می‌کنند و ذائقه بلندمدت مبتنی بر پایداری را به حاشیه می‌رانند. در خط‌مشی‌های کاهنده تاب‌آوری، شور و شعف و انگیزه مشارکت در انتخابات صرفاً از طریق وعده‌های زود هنگام ایجاد

می‌شود. خط‌مشی‌های کاهنده‌تاب‌آوری استقامت و شکیبایی را از مردم می‌ستانند و کم‌حوصلگی، عمل‌زدگی، ساده‌انگاری مسائل پیچیده و ترویج راه‌حل‌های دم‌دستی و زودبازده را فراگیر می‌کنند. در بستر خط‌مشی‌های کاهنده‌تاب‌آوری، که کوتاه‌مدت هستند، روش‌هایی مشروعیت و مقبولیت عمومی پیدا می‌کنند که هزینه‌های امروز جامعه را به آینده پرتاب می‌کنند و به‌مرور نادیده گرفتن آینده باعث شکل‌گیری ابرچالش می‌شود.

برای تقرب به تمدن نوین، لازم است تا از خط‌مشی‌های کاهنده‌تاب‌آوری در حوزه رقابت سیاسی به سوی خط‌مشی‌های انطباق‌پذیر با پایداری بلندمدت حرکت کرد. برای تاب‌آوری رقابت سیاسی، اصلاح میدان رقابت سیاسی، به‌ویژه اصلاح میدان انتخابات جمهوری اسلامی، ضرورت دارد. به منظور اصلاح میدان بازی انتخابات شاید ایجاد یک نهاد عالی فرا جناحی و یا ترتیبات جدید نهادی، با رویکرد عدالت بین‌نسلی و پایداری جامعه، لازم باشد. این نهاد بین‌نسلی فرا جناحی می‌تواند امکان رقابت سیاسی را در میدان انتخابات، تحت قواعد جدید، به سوی پایداری سوق دهد. این نهاد آینده‌پژوه می‌تواند متشکل از نخبگان دانشگاهی، مسئولان عالی و نمایندگان پخته و دارای نگرش‌های بلندمدت و جامع و ... باشد. رسالت اصلی این نهاد، در دوره انتخابات، بسترسازی فضای انتخابات برای گفت‌وگوهای عمیق و سازنده و جلوگیری از هیجان‌ها و التهابات مخرب و مهار تشدید انتظارات و وعده‌های بدون پشتوانه است. وظیفه دیگر این نهاد آینده‌پژوه جلوگیری از انتقال هزینه‌های زمان حال به آینده و ممانعت از انباشت بحران‌ها در آینده است. یکی دیگر از کارهای این نهاد فرانسلی ارزیابی جریان‌ها و کنش‌گران سیاسی، نه فقط در یک نقطه، بلکه در طی یک فرایند است. وظیفه دیگر این نهاد ارزیابی کنش‌گران سیاسی، نه فقط در یک نقطه زمانی، بلکه ارزیابی تأثیرات در افق زمانی میان‌مدت و بلندمدت است. رسالت دیگر این نهاد آگاه‌سازی مردم، از سناریوهای فاجعه‌ای که کنش‌گران کوتاه‌مدت با تشدید و تحریک وعده‌ها و اضمحلال منابع بین‌نسلی به بار می‌آورند، است. این نهاد بازی انتخابات در ایران را از میدان صرفاً کوتاه‌مدت به میدان متعادل بین کوتاه‌مدت-بلندمدت تبدیل می‌کند.

#### ۲-۲-۴. حافظه نهادی سیاستی بلندمدت

یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تاب‌آوری و پایداری بلندمدت وجود یا فقدان حافظه نهادی بلندمدت در سیستم حکمرانی است. ایجاد حافظه نهادی بلندمدت در درون سیستم حکمرانی باعث می‌شود تا تجربه‌های متفاوت از پیروزی‌ها و شکست‌ها، در دوره‌های گوناگون تاریخی، حالت انباشتگی پیدا کند و دانشی بلندمدت شکل گیرد و این دانش بلندمدت بین احزاب و دولت‌ها و جریان‌های سیاسی به اشتراک گذاشته شود. حافظه نهادی بلندمدت، با تسهیل دسترسی به تجربه انباشته و دانش بلندمدت، انطباق‌پذیری حکمرانی را با عدم قطعیت‌های ناشناخته آینده ظرفیت‌سازی می‌کند. حافظه نهادی بلندمدت، علاوه بر دانش بلندمدت مشترک، زمینه را برای خلق روایت ملی و کلان فراهم می‌کند. ظهور روایت و داستان ملی ظرفیت انسجام و تاب‌آوری ملی را در مقابل مخاطرات ناشناخته آینده ارتقاء می‌دهد. بنابراین یکی از اصلاحات مهم سیستم حکمرانی سیاسی قابلیت‌سازی حافظه نهادی بلندمدت است.

#### ۲-۳-۴. حکمرانی چند سطحی

برای تاب‌مندسازی و پایداری بلندمدت، لازم است تا حکمرانی و سیاست‌گذاری در چند سطح و لایه انجام شود.

##### ۱-۲-۳-۴. حکمرانی در سطح بازیابی

در صورتی که شوک‌ها و مخاطرات کشور را تحت تأثیر قرار دهند، کسب‌وکارها و معیشت عمومی به شدت آسیب می‌پذیرند. در این صورت باید حکمرانی، برای بازیابی و برگشت سیستم‌ها به حالت عادی، اقداماتی را به صورت ضربتی و فوری انجام دهد. این اقدامات می‌توانند شامل مراقبت از حداقل سطح معیشت عمومی، از طریق توزیع کالاهای اساسی، مقابله با احتکار و سفته‌بازی، تمرکز بر شریان‌های حیاتی، حمایت از تولیدکنندگان و کسب‌وکارهای آسیب‌دیده، تقویت ظرفیت‌های خودجوش و امدادی مردمی و ... باشد.

##### ۲-۲-۳-۴. حکمرانی در سطح تاب‌مندسازی

در این سطح، حکمرانی باید به بنیان‌های یک جامعه تاب‌مند و پایدار توجه کند. یعنی



ساختارها و نهادهای کشور، با هدف پایدارسازی بلندمدت، اصلاح شوند. از آنجا که به لحاظ تاریخی همواره دو چرخه معیوب، شامل وابستگی به خام‌فروشی و بحرانی شدن بار تکفل دولتی، همواره ظرفیت تاب‌مندی جامعه ایرانی را در معرض مخاطره و آسیب‌پذیری قرار داده است، در سطح تاب‌مندسازی، حکمرانی باید با نگاه به کاهش وابستگی به خام‌فروشی و مهار بار تکفل دولتی اصلاح شود. در ذیل حکمرانی تاب‌مند می‌توان مواردی را در نظر گرفت، مانند:

- منطقی کردن استخدام‌های دولتی بر اساس مأموریت‌های حکمرانی در حوزه‌هایی که بازار آزاد امکان مسئولیت‌پذیری در آن حوزه را ندارد؛
- منطقی کردن نظام تأمین اجتماعی و مهار بار تکفل؛
- انتقال تدریجی برخی از ظرفیت‌ها از بودجه عمومی، مانند واگذاری ظرفیت‌های خدماتی از قبیل بیمارستان، مدارس، به بازار؛
- مشارکت دولت و بخش خصوصی در برخی موارد؛
- فعال‌سازی ظرفیت‌های نهادهای غیررسمی برای ارائه خدمات عمومی.

#### ۴-۲-۴. حکمرانی مشارکتی

از آنجا که مخاطرات و شوک‌های ناشی از عدم قطعیت آینده در زمان حال ناشناخته است، تاب‌آوری «از بالا به پایین» ممکن است کفایت و اثربخشی لازم را نداشته باشد. در شرایطی که مخاطرات آینده مبهم و پیچیده و ناشناخته باشند، بهتر است به تاب‌آوری «از پایین به بالا» هم توجه شود. در تاب‌آوری از پایین به بالا، تلاش می‌شود جامعه از همه ظرفیت و منابع خود با ویژگی‌های متنوع، به‌صورت انطباقی، بهره‌مند شود. در این راستا پیشنهاد می‌شود:

- دیالوگ‌های اجتماعی بین حکمرانی و گروه‌ها، مناطق، اقوام، به‌ویژه گروه‌های درحاشیه‌مانده و خاموش، به‌طور مستمر انجام شود؛
- به ظرفیت‌های جدید ائتلافی متشکل از اقوام، زنان، جوانان، و ... در سطح مناطق، شهرها، روستاها، و حتی محلات توجه شود؛
- بین حاکمیت و ظرفیت‌های قومی، منطقه‌ای، جامعه مدنی و ... تعامل و هماهنگی‌های مستمر جریان پیدا کند.

- برای شکوفایی ظرفیت‌های خفته و یا درحاشیه‌مانده، نگاه‌های چند فرهنگی در دستور کارهای حکمرانی وارد شود و جریان یابد.

### ۳-۴. اقتصاد

بر اساس مصاحبه‌ها، زیرسیستم اقتصاد از حوزه‌های مهم و اصلی است که باید تاب‌آور شود. در غیر این صورت، یعنی ناتاب‌آوری اقتصاد، پایداری بلندمدت دچار آسیب جدی خواهد شد. زیرسیستم اقتصاد یکی از عوامل مؤثر پایداری بلندمدت است. در این زیربخش، عوامل و نهادهای کلیدی، مانند بخش دولتی و بخش خصوصی، ایفای نقش می‌کنند، پیچیدگی تاب‌آوری این زیرسیستم ایجاد تعادل بین ذی‌نفعان زمان حال و آینده، از نظر توزیع یا حفظ منابع بین‌نسلی، و همچنین تنظیم بازی آن‌هاست.

#### ۱-۳-۴. بخش دولتی و بخش مردمی تاب‌آور

یکی از مباحث مهم تناسب بین اقتصاد بخش دولتی و بخش مردمی (خصوصی) است. در اقتصاد ایران مدت‌های طولانی، تحت تأثیر گفتمان‌های متمایل به چپ، بار اصلی اقتصادی بر دوش بخش دولتی و منابع عمومی بوده است. در دوره تسلط گفتمان اقتصاد متمرکز متمایل به چپ به دلیل فقدان امکان‌های رشد سرمایه‌گذاری مردمی، پیش‌خور کردن منابع بین‌نسلی آغاز گردید و با بحرانی شدن بار تکفل دولتی، وابستگی اقتصاد به نفت، حمایتی شدن هویت‌های اقتصادی و ... زمینه برای ناپایداری در افق زمانی آینده فراهم گردید. در واکنش به این رویکرد رادیکال چپ‌گرای انقلابی، در برهه‌ای دیگر، یک جریان راست‌گرای افراطی تحت عنوان خصوصی‌سازی در کشور شیوع پیدا کرد. به دلیل فقدان الزامات این رویکرد، مثل نبود بخش خصوصی حرفه‌ای، نبود بازار رقابتی، نبود مدیریت حرفه‌ای این حرکت هم به بیراهه رفت. خصوصی‌سازی در این دوره، گاهی با اهداف حمایتی و توزیعی و گاهی با کسب درآمد برای دولت و ... انجام گرفت. در نتیجه، سازمان‌هایی با حالت خاکستری ظهور کردند. این سازمان‌ها، در هنگام دریافت بودجه و امتیازات، دولتی بودند؛ اما، در هنگام پاسخ‌گویی، خود را بخش خصوصی تلقی می‌کردند. این‌گونه فضای خاکستری و عدم شفافیت زمینه‌ساز فساد و ناپایداری جامعه شد.

وقتی اقتصاد تاب‌آور می‌شود که هم دولت و هم بخش خصوصی، هر دو، قوی باشند. یعنی تضعیف یکی منجر به تقویت دیگری نخواهد شد. نمی‌توان در کنار یک دولت ضعیف و ورشکسته بخش خصوصی قوی داشت. چراکه بخش خصوصی و دولتی، هر دو، اجزای یک کلیت اقتصاد ملی هستند.

خط‌مشی انطباقی این است که هم دولت و هم بخش خصوصی تاب‌آور شوند. در این شرایط، که بخش خصوصی فعلاً فاقد الزامات انضمامی است، می‌توان از مفهوم «اقتصاد رویشی» استفاده کرد. یعنی عاملان و کارگزارانی که در درون دولت به توانمندی حرفه‌ای رسیده‌اند، در بیرون از بخش دولتی، به‌منزله مکمل و امتداد اقتصاد ملی عمل می‌کنند. بخش اقتصاد رویشی در مدیریت و کارآمدی بر اساس منطق اقتصادی و بنگاهی عمل می‌کند، اما، از نظر راهبردی کلان در راستای منافع ملی، تحت قواعد بازی خط‌مشی‌های کلان اقتصادی دولت عمل می‌کند.

#### ۲-۳-۴. بخش بانکی پولی تاب‌آور

یکی از عوامل مؤثر بر تاب‌آوری و پایداری بلندمدت نحوه فعالیت بخش بانکی و پولی کشور است. در صورتی که بخش بانکی و پولی کشور نقش رقیب را برای اقتصاد بازی کند، تاب‌آوری اقتصادی و پایداری کشور دچار اختلال خواهد شد. یعنی ورود بخش بانکی و پولی به عرصه رقابت با سایر بخش‌ها از مصادیق بارز خط‌مشی کاهنده تاب‌آوری است. چراکه به دلیل دسترسی به منابع مالی، اولاً باعث افول بخش‌های تولیدی خواهد شد و سپس با تشدید سفته‌بازی و سوداگری، موجب انحراف سرمایه‌گذاری‌ها در دلالتی‌های با سودهای کوتاه‌مدت خواهد گردید.

خط‌مشی تاب‌آورساز بخش پولی و بانکی این است که این بخش در خدمت سایر بخش‌های اقتصادی، مثل تولید، قرار گیرد. در این حالت، با تجهیز منابع و تأمین سرمایه بخش‌های ارزش‌آفرین اقتصاد ملی، زمینه پایدارسازی بلندمدت پی‌ریزی می‌شود.

#### ۳-۳-۴. واردات و صادرات تاب‌آور

وابستگی به صادرات یکی از عوامل تأثیرگذار بر تاب‌آوری و پایداری بلندمدت است. در اقتصاد ایران، افزایش وابستگی به خام‌فروشی از عوامل اساسی و اصلی کاهش

تاب‌آوری اقتصادی در مقابل شوک‌های بیرونی و درونی است. در گذشته معمولاً، خط‌مشی‌ها در جهت تأمین مطالبات در کوتاه‌مدت دارای تأثیرات وابستگی‌های تهدیدزا به بیگانان بوده است. خط‌مشی انطباقی تدوین شاخص‌های کاهش وابستگی به صادرات خام‌فروشی و ارزیابی دولت‌ها و نهادهای سیاست‌گذار با این شاخص است. متغیر وابستگی به واردات راهبردی نیز از عوامل اصلی تأثیرگذار بر تاب‌آوری اقتصادی و پایداری بلندمدت است. وقتی اقتصاد یک کشور به واردات راهبردی از قبیل انرژی، مواد غذایی، دارو و کالاهای اساسی که برای حیات و معیشت عمومی ضروری محسوب می‌شوند وابسته شوند، در حقیقت آشکارا در معرض آسیب‌پذیری و ناتاب‌آوری قرار می‌گیرند. اگر اقتصاد کشور به واردات راهبردی مثل کالاهای اساسی خارجی وابسته شود، این خط‌مشی کشور را در مواقع شوک‌های ناشی از تحریم یا کاهش درآمدهای نفتی آسیب‌پذیر می‌کند. بنابراین خط‌مشی تاب‌آورساز عبارت است از تدوین شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری وابستگی به واردات راهبردی و کاهش ضریب این وابستگی‌های تهدیدزا.

خط‌مشی دیگر تاب‌آورسازی می‌تواند تدوین شاخص‌هایی برای تغییر نسبت بین صادرات و واردات باشد، یعنی صادرات تهدیدزا، مثل خام‌فروشی، و واردت تهدیدزا کاهش و صادرات ارزش‌آفرین افزایش یابد. برای افزایش تاب‌آوری زیرسیستم اقتصادی می‌توان خط‌مشی‌های تنوع در محصولات و مقاصد صادراتی را در دستور کار قرار داد.

#### ۴-۳-۴. سیاست مالی تاب‌آورساز

یکی از مؤلفه‌های مهمی که زیرسیستم اقتصاد را در مقابل شوک‌های ناشی از عدم قطعیت‌های آینده تاب‌مند می‌سازد عبارت است از سیاست مالی تاب‌آورساز. مطابق این خط‌مشی انطباقی باید شاخص‌هایی درباره نسبت بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی (کسری بودجه دولتی)، نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی و تناسب بین خدمات عمومی و مالیات‌های دریافتی تدوین کرد.

اگر خدمات عمومی رفاهی با مالیات‌های دریافتی نسبت منطقی پیدا نکند، وابستگی

به خام‌فروشی و افزایش تعهدات بدون پشتوانه دولت زمینه را برای آسیب‌پذیری اقتصاد از شوک‌های بیرونی و درونی فراهم می‌سازد. در راستای تاب‌آورسازی، باید بین خدمات رفاهی و مالیات‌های دریافتی نسبت عقلانی برقرار شود تا زمینه تاب‌مندی مهیا گردد.

### ۵-۳-۴. ظرفیت‌های بازیابی پس از شوک‌های اقتصادی

در یک اقتصاد تاب‌آور که زمینه‌ساز پایداری بلندمدت است، باید ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بازیابی ایجاد شود. قابلیت‌های بازیابی نوعی توانایی بازگشت اقتصاد به وضعیت تعادلی جدید، حتی قوی‌تر از تعادل اولیه، است. باید یک نکته مهم را یادآوری کرد که در اقتصاد ایران دو حلقه وابستگی به خام‌فروشی و حلقه بارتکفل دولتی امکان قابلیت‌سازی بازیابی را سلب می‌کنند. یعنی، به دلیل این چرخه‌های تشدیدشونده معیوب از قبل، تعهدات بدون پشتوانه بسیاری ایجاد شده است که دولت امکان ایجاد انعطاف و خط‌مشی‌گذاری انطباقی را پیدا نمی‌کند. به هر حال در این بخش دلالت‌هایی برای بازیابی پس از شوک مطرح می‌شود.

**- استفاده از خط‌مشی ضمانت‌ها و صندوق‌های ضمانت:** وقتی شوک‌های اقتصادی کسب‌وکارها را در مخاطره نابودی قرار می‌دهند، دولت می‌تواند از طریق صندوق‌های ضمانت، بیمه، و ... کسب‌وکارها را تحت پوشش قرار دهد تا آنها با اطمینان به فعالیت خود مجدد بازگردند.

**- معافیت‌های مالیاتی، گمرکی و ...:** وقتی کسب‌وکارها از شوک‌های بنیان‌برافکن اقتصادی تأثیر می‌پذیرند، دولت می‌تواند برای بازگشت آنها به تعادل، با خط‌مشی معافیت‌های مالیاتی و گمرکی، به بازیابی کسب‌وکارها اقدام ورزد.

**- کاهش بوروکراسی:** وقتی کسب‌وکارها تحت تأثیر شوک‌های اقتصادی قرار می‌گیرند، دولت می‌تواند، با حذف بوروکراسی شرایط عادی و متعارف، امکان انعطاف‌پذیری و سرعت را برای کسب‌وکارها فراهم سازد.

**- ماژولاریتی:** حالت بخش‌بخشی<sup>۱</sup> کردن و عایق‌بندی زیرسیستم‌های حیاتی، مثل

بانک و حمل و نقل، از خط‌مشی‌های انطباقی با شوک‌های اقتصادی به شمار می‌روند. وقتی یک سیستم به‌صورت ماژولاریتی طراحی می‌شود، اگر شوک‌ها یکی از زیرسیستم‌ها را دچار اختلال کنند، اختلال در داخل همان زیرسیستم جذب می‌شود و به سایر بخش‌ها و به کلیت سیستم سرایت نمی‌کند. مثلاً، اگر در صنعت فولاد یک شوک وارد شود، در همان جا جذب می‌شود و وارد سیستم صنعت خودروسازی، حمل و نقل جاده‌ای و ریلی نمی‌شود.

#### ۴-۴. تاریخی - اجتماعی و فرهنگی

زیرسیستم اجتماعی از جمله زیرسیستم‌های مهم و تأثیرگذار بر تاب‌آوری جامعه و پایداری بلندمدت است. اگرچه ممکن است برخی از ابعاد و لایه‌های اجتماعی نامشهود و پنهان باشند، این زیرسیستم در تاب‌آوری جامعه و پایداری و ثبات بلندمدت نقش حیاتی بر عهده دارد. در اینجا درباره مؤلفه‌های حوزه تاریخی-اجتماعی و فرهنگی، که زمینه‌ساز پایداری بلندمدت به شمار می‌روند، بحث می‌شود.

##### ۴-۴-۱. زمینه‌های تاریخی تاب‌آوری

همان‌گونه که تمدن امری تاریخی است و در فراگرد تاریخی خود به تکوین می‌رسد، تاب‌آوری اجتماعی نیز ریشه در عناصر و عوامل تاریخی دارد. یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم مرتبط با تاب‌آوری اجتماعی یک کشور، وابستگی به مسیر<sup>۱</sup> است. در توضیح مفهوم وابستگی به مسیر تاب‌آوری اجتماعی، می‌توان گفت وقتی جوامع با عدم اطمینان‌های فراگیر، ناشی از فجایع و بحران مواجه می‌شوند، تلاش می‌کنند از طریق یادگیری‌های زبانی-فرهنگی و محیط فیزیکی و ... بر ترس و عدم اطمینان خود غلبه کنند. در حقیقت این کنش‌ها و یا واکنش‌ها به بحران‌ها و فجایع به تدریج به مدل‌های ذهنی جمعی و اجتماعی تبدیل و تثبیت می‌شوند. سپس این مدل‌های ذهنی تثبیت‌شده به باورهای تاریخی-اجتماعی و در مراحل دیگر باورها به نهادها و میراث تاریخی تبدیل می‌شوند و بر کنش‌های آینده در مقابل فجایع و بحران‌ها تأثیر می‌گذارند.

1. path dependency

بنابراین نحوه کنش و واکنش جوامع در مقابل عدم قطعیت‌های آینده تحت تأثیر قدرت و نفوذ ذهنیت مشترک تاریخی قرار می‌گیرد. مفهوم وابستگی به مسیر قابلیت خوبی برای تبیین متفاوت بودن عادت‌واره‌های جوامع در قبل، حین و پس از بروز فجایع و بحران‌ها دارد. نکته تأمل‌پذیر این است که قابلیت‌های تاریخی جوامع در مواجهه با فجایع و بحران‌ها امری ایستا و ثابت نیستند، بلکه ممکن است افزایش و یا کاهش یابند. وقتی که در سال ۱۹۹۵ در کوبه ژاپن زلزله رخ داد، از نظر بسیاری از صاحب‌نظران، مهم‌ترین عامل بازسازی و احیا مناطق آسیب‌دیده نوع روابط و پیوندهای اجتماعی مردم ژاپن در این مناطق بود. بررسی‌ها نشان داد که میزان سرمایه اجتماعی (روابط و پیوندهای اجتماعی) در میان ساکنان مناطق آسیب‌دیده، پس از فاجعه، افزایش یافت و پیوندهای اجتماعی عمق و انسجام بیشتری پیدا کرد. یعنی قابلیت‌های تاریخی کنش‌گران را در جهت خاصی سوق می‌دهد و زمینه را برای نوع خاصی از کنش و واکنش عاملان فراهم می‌سازد و از سوی دیگر، نحوه کنش‌ها مجدداً قابلیت تاریخی را مستحکم می‌کند و افزایش می‌دهد.

یکی از اضلاع مهم تاب‌آوری جامعه، در مقابل عدم قطعیت‌های آینده، حفظ و تحکیم قابلیت‌های تاریخی تاب‌آوری و انتقال آن به نسل‌های آینده است.

#### ۲-۴-۴. باورها، اعتقادات تاب‌آور

از عوامل کلیدی مؤثر در مواجهه با فجایع و بحران‌ها قبل از بحران، حین بحران و پس از بحران باورها و اعتقادات‌اند. یعنی اینکه درباره فاجعه، بحران، مسائل پس‌بحران، مانند همکاری و همبستگی و مراقبت از دیگران، چه نوع باورهای بنیادینی در جامعه وجود دارد، در بازگشت سریع جامعه به حالت تعادلی نقش مهمی دارد. نوع نگاه انسان به جهان، خدا، سایر انسان‌ها، حیات پس از مرگ، رعایت حقوق دیگران تأثیر مستقیمی بر تاب‌آوری دارد.

اما نکته تأمل‌پذیر و پیچیده‌تر این است که ممکن است در یک جامعه به‌طور رسمی اعتقادات و باورهایی ناب وجود داشته باشند، اما آن جامعه تاب‌آوری کمتری از یک جامعه دیگر، با باورهای تراز پایین‌تر، داشته باشد!

برخی از جوامع، مثل ژاپن و آلمان، پس از تجربه فجایع بزرگی، مانند جنگ جهانی و یا زلزله‌های مهیب، زودتر از سایر جوامع به حالت تعادلی خود برگشتند، درحالی‌که شاید باورها و اعتقادات در این کشورها هیچ رجحانی به جوامع دیگر نداشته باشد. مسئله پیچیده است و به تأمل نیاز دارد. نمی‌توان بین اعتقادات صرف و دور از زندگی واقعی مردم و تاب‌آوری یک ارتباط ساده مکانیکی برقرار کرد.

مثلاً، در قرآن کریم سوره‌هایی وجود دارند که بر قوام و استحکام دلالت دارند و مؤمنان را به تاب‌آوری و استقامت دعوت می‌کنند: فاستقم كما امرت و من تاب معك و لاتطغوا انه بما تعملون بصیر (هود: ۱۱۲). با نگاهی به روایات و کلام معصومان، علیهم‌السلام، می‌توان دعوت مردم به باورها و اعتقادات ناب معطوف به تاب‌آوری را استخراج کرد. اما پیچیدگی امر در این است که به‌رغم وجود اعتقادات و باورهای ناب در لایه اعتقادی، ممکن است در سطح انتزاع و اعتقادی حبس شوند و وارد کنش‌های میدانی و زندگی اجتماعی نگردند. نکته مهم این است که باورهای ناب و متعالی، گاهی به دلایل مختلف از قبیل غلبه گفتمان کوتاه‌مدت‌نگری بر جامعه و افتادن کنش‌گران در تله تشدید انتظارات کوتاه‌مدت، هیچ‌گاه به مقصد خود، که تاب‌آوری اجتماعی است، نمی‌رسند. یعنی نمی‌توان بحث تاب‌آوری را صرفاً به وجود باورهای ناب در سطح اعتقاد نسبت داد و دچار ساده‌انگاری شد. باورها وقتی می‌توانند تاب‌آوری را افزایش دهند که از برج‌های ذهنی و انتزاعی خارج شوند و در میدان کنش اجتماعی وارد شوند. همسویی و تناسب انگاره‌های خط‌مشی‌گذاری با باورها و اعتقادات ارزشی با رویکرد تاب‌آوری اجتماعی از اولویت‌های کشور به شمار می‌روند. در بیان کلی می‌توان گفت که به‌رغم وجود باورهای اصیل و نجات‌بخش دینی، شیب‌بندی تاریخی مناسبات در شاکله جامعه ایرانی به زیان پایداری بلندمدت و تاب‌آوری بوده است. به همین دلیل باید، با فهم تازه، زبان نو و آشنازدایی<sup>۱</sup> از باورهای دینی و روایات، زمینه را برای پی‌ریزی جامعه تاب‌آور فراهم ساخت. بنابراین رسالت خط‌مشی‌گذاری انطباقی در قبال باورهای بنیادین ابتدا فهم عمیق‌تر و



درک موقعیت انضمامی جامعه و سپس آشناندایی از باورها و در ادامه دستیابی به چهارچوب‌های مرجع اعتقادی برای تاب‌آوری اجتماعی است.

### ۳-۴-۴. سبک زندگی

سبک زندگی، به‌مثابه کنش‌های سازمان‌یافته که متأثر از تاریخ، باورها، رخدادها و ... می‌شوند و در مرحله بعدی خود ممکن است بر باورها، تاریخ، و... تأثیر بگذارند، عامل دیگری است که بر تاب‌آوری اجتماعی مؤثر است. سبک زندگی ممکن است در یک جامعه حول ارزشمند بودن، مجاهدت، جهادی بودن باشد و در جامعه دیگری حول فرار از مسئولیت و پرتاب کردن معضلات و مشکلات خود به زمین دیگری باشد. در سبک زندگی‌ای که توأم با نوعی بلندمایگی است مردم و خط‌مشی‌گذاران درباره دیگران (از جمله آینده) حساس‌اند، از پیامدهای تصمیمات و اقدامات خود در افق زمانی مراقبت می‌کنند، اما در سبک زندگی فرومایگی، همان‌گونه که یک شهروند فرومایه زبانه‌های خود را بدون حساسیت در منطقه مشاء و عمومی پرتاب می‌کند و ساده‌لوحانه آسوده‌خیال می‌شود، خط‌مشی‌گذاران آن هم، با خط‌مشی‌های لحظه‌ای، مسائل و معضلات را در حوزه‌های عمومی سرازیر می‌کنند و حوزه‌های عمومی را دچار انباشت بحران می‌کنند و یا اینکه معضلات کنونی را به دور زمانی (آینده) پرتاب می‌کنند. بدیهی است که سبک زندگی فرومایه و لحظه‌ای قابلیت‌های تاب‌آوری را به اضمحلال می‌کشاند و سبک زندگی بلندمایه و مؤمنانه قابلیت تاب‌آوری را بالا می‌برد.

### ۴-۴-۴. سرمایه اجتماعی

شاید سرمایه اجتماعی مهم‌ترین مؤلفه سازنده اجتماع تاب‌آور و پایدار به شمار رود. درمورد مفهوم سرمایه اجتماعی تعاریف متعدد و متکثری ارائه شده است. صرف‌نظر از وجوه افتراق تعاریف، به نظر می‌رسد سرمایه اجتماعی، با هر تعریفی، باید سه مؤلفه شامل امید اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی را در بر بگیرد. یعنی اگر سرمایه اجتماعی بالا باشد، با ارتقاء امید اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی زمینه‌های همکاری و همیاری اجتماعی بالا می‌رود و امکان‌های تاب‌آوری اجتماعی و پایدارسازی بلندمدت فراهم می‌شود. سرمایه اجتماعی دارای لایه‌ها

وسطوح متعددی است که باید در هر سطح متناسب با آن به خط‌مشی‌گذاری انطباقی اقدام کرد.

#### ۱-۴-۴. تأثیر جریان‌های سیاسی

نحوه رقابت و بازی جریان‌های سیاسی و احزاب یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار سرمایه اجتماعی بین مردم و حکومت است. یکی از عوامل کاهنده سرمایه اجتماعی، به‌ویژه در حوزه اعتماد مردم به مسئولان سیاسی کشور، افسانه‌سازی درباره فساد بوده است. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که ما منکر وجود فساد در اقتصاد خام‌فروشی و بوروکراسی دولتی در ایران نیستیم و معتقدیم که فساد، هرچقدر هم کم باشد، خطرناک است و باید ریشه‌کن گردد. اما در سال‌های اخیر جریان‌های سیاسی، به منظور به حاشیه راندن رقیب و دست‌یابی به قدرت، درباره فساد داستان‌پردازی کردند. این افسانه‌سازی‌های موهومی، هرچقدر بزرگ‌تر با اعداد و ارقام عجیب‌تر مبالغه می‌شود، در فضای اجتماعی باورپذیرتر می‌گردد. در این شرایط، ذهن مردم به دلیل فشارهای ناشی از بیکاری، مشکلات اقتصادی و اجتماعی حوصله تحلیل و ریشه‌یابی مسئله‌ها را ندارد و توپخانه قضاوت‌های حاضر و آماده رأی به محکومیت دیگران، یعنی هرکسی به جز ما، بی‌وقفه مشغول به کار می‌شود. در این شرایط اعتماد مردم به حکومت و مسئولان خدشه‌دار می‌شود و زمینه کاهش مشارکت اجتماعی بستری برای کاهش تاب‌آوری اجتماعی و بی‌ثباتی فراهم می‌سازد.

بنابراین خط‌مشی انطباقی عبارت است از اصلاح رقابت جریان‌های سیاسی با تأکید بر تقویت سرمایه اجتماعی. با بالا بردن شفافیت سیستم‌ها و نهادهای حاکمرانی و تسهیل دسترسی عموم به اطلاعات، می‌توان اعتماد اجتماعی را تقویت کرد.

#### ۲-۴-۴. شمول فراگیر

برای اینکه سیستم اجتماعی تاب‌آور شود، لازم است، در مواقع مواجهه با شوک‌های ناگهانی، بتواند با سرعت از کل ظرفیت خود استفاده کند. این ظرفیت در ایران شامل شهروندان، نخبگان، جوانان، زنان، اقوام و مذاهب و ... است. باتوجه‌به اینکه جامعه ایرانی در سیر تاریخی همواره در پیچ‌ها و گردنه‌های مخاطرات و شوک‌ها با اتکا بر این

ظرفیت بالقوه توانسته است به حیات خود ادامه دهد، برای مواجهه با عدم قطعیت‌ها و مخاطرات ناشناخته آینده بازآفرینی محیط نهادی شامل قوانین، خط‌مشی‌ها و توافقات راهبردی جدید انطباق‌پذیر برای بالفعل‌سازی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های جامعه ایرانی اهمیت بالایی دارد. تقویت ظرفیت‌های زنان، جوانان، اقوام و گروه‌هایی که کمتر به آن‌ها توجه می‌شود موجب ظهور ظرفیت‌های جدید خواهد شد. بالا رفتن ظرفیت ملی موجب تاب‌مندی جامعه در مقابل مخاطرات و پیچیدگی‌های آینده و پایدارسازی بلندمدت خواهد شد.

### ۳-۴-۴. رفع تبعیض و انسجام اجتماعی

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرمایه و تاب‌آوری اجتماعی عدالت، انصاف و رفع تبعیض‌های نارواست. بی‌تردید، بی‌عدالتی و بی‌انصافی و تبعیض از بزرگ‌ترین چالش‌های فراوری انسجام اجتماعی، تاب‌آوری و پایداری بلندمدت محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد که در جامعه ایرانی رفع تبعیض و حمایت از محرومان از مصداق‌های پیچیدگی مرکب است که تأملی عمیق، چند بعدی و بلندمدت می‌طلبد، در غیر این صورت خط‌مشی‌هایی که در کوتاه‌مدت به منظور حمایت از محرومان تدوین می‌شود، ناخواسته، در بلندمدت به ضد محرومان تبدیل می‌شود و باعث از بین رفتن طبقات متوسط و وخیم شدن وضعیت محرومان می‌شود.

یک مسئله مهم دیگر، در خط‌مشی‌گذاری‌های انطباقی، تفکیک محرومان صدادار از محرومان خاموش است. محرومان صدادار آن دسته از محرومان‌اند که می‌توانند صدای خود را به گوش مسئولان برسانند. آن‌ها قادرند از ابزارهای گوناگون عاطفی، اجتماعی، سیاسی، و ... برای مطالبه‌گری و حق‌خواهی خود استفاده کنند. معمولاً سیاست‌گذاران و احزاب سیاسی، در پاسخ به فشار این دسته از محرومان، به سیاست‌های حمایتی اقدام می‌ورزند. چراکه صدای این دسته از محرومان دارای قدرت و طنین است و نقش کلیدی در بالا رفتن آراء دارد. محرومان صدادار ممکن است در کلان‌شهرها و مناطقی باشند که به مسئولان دسترسی دارند. در حقیقت، تمام کسانی که ابزار مطالبه‌گری و پیگیری حقوق خود را دارند در زمره محرومان صدادار قرار می‌گیرند؛ مثلاً، پیش‌خدمتی که در بانک مرکزی یا یک وزارتخانه در تهران کار می‌کند و در معرض دید مسئولان قرار می‌گیرد.

اگر سیاست‌گذاران برای رفع محرومیت و تبعیض فقط بر این دسته از محرومان «در مقابل دیدگان» تمرکز کنند و از محرومان خاموش غفلت ورزند، این خط‌مشی در بلندمدت نمی‌تواند به‌طور اثربخش و واقعی تبعیض و بی‌عدالتی را ریشه‌کن کند. وضعیت معیشت دسته‌ای از محرومان ممکن است از وضع معیشت دسته محرومان صدادار وخیم‌تر باشد، اما به دلیل نداشتن ابزارهای دسترسی به مسئولان، خاموش و بی‌صدا هستند؛ مثلاً، کارگران فصلی کشاورزی در روستاهای دورافتاده که فاقد بیمه و ... هستند، یا کسانی که به دلایل ناخواسته و ناگهانی، بر اثر سوانح و تصادفات و یا ورشکستگی مالی در کنار مجرمان و خلاف‌کاران حرفه‌ای، به تحمل شرایط وضعیت اسفباری مجبور می‌شوند. به منظور تاب‌مند کردن جامعه ایرانی باید، با هوشمندی و مراقبت، خط‌مشی‌گذاری‌های انطباقی برای رفع محرومیت و تبعیض از هر دو دسته از محرومان را در نظر گرفت. گاهی آنچه که مانع رسیدن صدای محروم خاموش به مسئولان می‌شود، بُعد مکان و مسافت نیست، بلکه برچسب معنایی مانند بدنامی است که بر این دسته از محرومان حاشیه‌نشین اطلاق می‌شود. یعنی جماعتی از محرومان، علاوه بر موانع عینی، در حصارهای معنایی نیز محبوس می‌شوند و این حصارهای معنایی مانع شنیده شدن صدای آن‌ها می‌شود. تدوین شاخص‌های درجات خاموشی محرومان، قابلیت هوشمندی را در خط‌مشی‌گذاری‌های انطباقی برای افزایش مشارکت اجتماعی و بهره‌گیری از همه ظرفیت جامعه بالا می‌برد.

#### ۴-۴-۴. توازن‌بخشی بین شفافیت و رازداری

یکی از مؤلفه‌های مهم تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی شفافیت و یا رازداری است. یعنی شفافیت از آنجایی که با سلامت سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی سروکار دارد و رازداری که با حفظ حقوق مشروع مردم سروکار دارد، هر دو اصل در حالت متوازن، می‌توانند سرمایه اجتماعی را افزایش دهند. یعنی در مورد شفافیت هم نباید دچار ساده‌انگاری شد. در یک سیستم اجتماعی تاب‌مند، شفافیت و رازداری دو وجه یک واقعیت‌اند و باید با هم به آن‌ها توجه شود.

در راستای خط‌مشی‌گذاری انطباقی، باید اصل شفافیت در حوزه‌ها تا جاهایی پیگیری شود که جریان‌های نامشروع اقتصادی و اجتماعی را آشکار سازد تا مردم احساس کنند

که قانون و عدالت حاکم است. همچنین اجرای درست اصل رازداری، به منظور حفاظت از حقوق مشروع شهروندان، نیز باعث افزایش اعتماد مردم به نهادها می‌شود.

## ۵. نتیجه‌گیری

جامعه ایرانی - اسلامی یکی از مدعیان اصلی تمدن نوین است. این جامعه در برهه‌ای که مدرنیته همه عالم را فتح کرده بود، انقلاب اسلامی را به پیروزی رساند و حکومت اسلامی را شکل داد و حالا یکی از مهم‌ترین پیش‌ران‌های تمدن نوین اسلامی به شمار می‌رود. اما تمدن، به مثابه امری اجتماعی-تاریخی، در بستر جامعه پایدار بلندمدت امکان تکوین و ظهور پیدا می‌کند. از این منظر، تاب‌آوری رویکردی کلیدی برای پایدارسازی بلندمدت است. یعنی تاب‌آوری جامعه زمینه را برای پایدارسازی بلندمدت و پایدارسازی بلندمدت بستر را برای ظهور یا اعتلا و بالندگی تمدنی فراهم می‌سازد.

در این تحقیق، بر اساس نظرات خبرگان و دسته‌بندی مخاطرات و شوک‌های ناشی از عدم قطعیت‌های آینده برای تاب‌مندسازی جامعه ایرانی، چهار زیرسیستم شامل زیرساخت‌ها، سیاسی-حکمرانی، اقتصاد و اجتماعی-فرهنگی برای خط‌مشی‌گذاری‌های انطباقی انتخاب شده است.

این تحقیق نشان می‌دهد که مخاطرات راهبردی، که پایداری و ثبات جامعه ایرانی را در معرض آسیب قرار می‌دهند و بستر و زمینه را برای ظهور تمدن نوین ناممکن می‌سازند، از دو منشاء بیرونی و درونی سرچشمه می‌گیرند. منشاء بیرونی، مثل تهدیدهای خارجی، که ملموس و مشاهده‌پذیرند. اما منشاء درونی مخاطرات از پیچیدگی مرکب برخوردار است و به آسانی قابل فهم نیست. بسیاری از خط‌مشی‌های، با خیرخواهی‌های کوتاه‌مدت، ممکن است در بلندمدت منشاء شکل‌گیری مخاطرات بین‌برافکن شوند و تمدن را بر باد دهند.

در حوزه زیرساخت‌ها، برای واکنش متناسب با شوک‌های ناشناخته آینده و بازیابی سریع پس از تأثیرپذیری، به تبدیل راهبردی خام‌فروشی به ارزش‌آفرینی، ترویج گفت‌وگو عدالت بین‌نسلی در مورد منابع بین‌نسلی، تعادل‌بخشی و متوازن‌سازی بین مصرف انرژی در زمان حال و ظرفیت‌سازی و ذخیره‌سازی راهبردی برای مقابله با شوک‌های آینده،

توسعه شهری در پیوند با زمین (طبیعت و بوم) و زمینه (تاریخ و فرهنگ) و همچنین توسعه شهری در مناطق بکر، مثل سواحل مکران، به منظور شکوفایی و آزادسازی قابلیت‌های بالقوه داخلی، تعادل بخشی بین حمل و نقل جاده‌ای و ریلی و توسعه حمل و نقل ریلی و تدوین و پایش شاخص‌هایی برای مراقبت از قابلیت طبیعی توجه شده است.

در حوزه زیرسیستم سیاسی و حکمرانی خط‌مشی اصلاح قواعد کسب قدرت سیاسی (انتخابات)، ایجاد حافظه نهادی بلندمدت، حکمرانی چندسطحی، حکمرانی مشارکتی مطرح شده است.

در حوزه اقتصاد، تعادل بخشی بین بخش دولتی و بخش خصوصی، تاب‌مندسازی بخش پولی و بانکی کشور، تاب‌مندسازی واردات و صادرات، تعادل بخشی بین خدمات دولتی و مالیات‌ها، و ایجاد ظرفیت‌هایی برای بازیابی پس از شوک بیان شده است.

در حوزه اجتماعی و فرهنگی، خط‌مشی‌های ارتقاء سرمایه اجتماعی از طریق خط‌مشی اصلاح رقابت جریان‌های سیاسی، اصل شمول و فراگیری، رفع تبعیض و انسجام اجتماعی، توازن بخشی بین اصل شفافیت و اصل رازداری، به منظور افزایش سرمایه اجتماعی، و بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های جامعه برای مواجهه با مخاطرات ناشی از عدم قطعیت‌های ناشناخته آینده پیشنهاد شده است.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن خلدون. ۱۳۶۶. مقدمه ابن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. پارسامهر، تقی؛ قاسمی، حاکم؛ پورعزت، علی اصغر. ۱۳۹۶. «تحلیل گفتمان و ترسیم سناریوهای آینده تمدنی» در مجموعه مقالات نخستین هفته علمی تمدن نوین اسلامی. جلد پنجم. تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه. شرکت چاپ و انتشارات.
۴. پیغامی، عادل؛ منصور، سمانه. ۱۳۹۵. «برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی تاب‌آور، دلالت‌های راهبردی و اعتباربخشی یک مدل ترکیبی برای اقتصاد مقاومتی». اندیشه مدیریت راهبردی. شماره دوم. پاییز و زمستان.
۵. توین بی، آر. ۱۳۷۶. بررسی تاریخ تمدن. ترجمه محمد حسین آریا. تهران: امیرکبیر.
۶. خزایی، حسین؛ عیوضی، الهه. ۱۳۹۶. «مبانی آینده‌پژوهی تمدن نوین اسلامی». مجموعه مقالات نخستین هفته علمی تمدن نوین اسلامی. جلد پنجم. تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه. شرکت چاپ و انتشارات.
۷. دورانت، ویلیام جیمز. ۱۳۵۶. تاریخ تمدن. تهران: بی‌جا.
۸. روح‌الامینی، محمود. ۱۳۷۷. زمینه فرهنگ‌شناسی: تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی. تهران: ناشر عطار.
۹. شریعتی، علی. ۱۳۵۹. تاریخ تمدن. تهران: دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار دکتر شریعتی.
۱۰. لوکاس، هنری. ۱۳۶۷. تاریخ تمدن. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: کیهان.
۱۱. هانتینگتون، ساموئل. ۱۳۷۸. برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی. ترجمه محمدعلی حمیدرفیعی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
12. Aldrich, D. P. Meyer, M. M. A. 2014. "Social Capital capital and Community community Resilienceresilience". American Behavioral Scientist. SAGE. 59 (2). PP 254-269.
13. Anderies, J. M., Janssen, M. A., & Ostrom, E. 2004. "A framework to analyze the robustness of social-ecological systems from an institutional perspective". Ecology and Society. 9 (1), 18.
14. Berkes, F. & Folke, C. (Eds.). 1998. Linking social and ecological systems: Management practices and social mechanisms for building resilience. New York: Cambridge University Press.

15. ————. 2002. "**Back to the future: Ecosystem dynamics and local knowledge**". In Panarchy: understanding transformations in human and natural systems. L. H. Gunderson and C. S. Holling (Eds.). Island press.
16. Bernier, Q, Bernier. Meinzen-Dick, R. & Meinzen-Dick. 2014. **Resilience and social capital**. IFPRI.
17. Brock, W. A., Mäler, K. G., & Perrings, C. 2002. **Resilience and sustainability: The economic analysis of nonlinear systems**. In L. H. Gunderson and C. S. Holling (Eds.), Panarchy: Understanding transformations in systems of humans and nature. Washington, D.C.: Island Press.
18. Gylfason, Thorvaldur; Holmströmm, Bengt; Korkman, Sixten; Söderström, Hans Tson & Vihriälä, Vesa. 2010. "**Nordics in Global Crisis. Vulnerability and resilience**". ETLAB.
19. Hall, R. 2014. "**Adaptive governance policy for Societal Resilience and community Empowerment**". Journal of US-china China Public Administration. DAVID Publishing. 11 (12). PP 949-959.
20. Hallegatte, Stephane. 2014. "**Economic resilience: definition and measurement**". The World Bank Policy Research Working Paper 6852, Climate Change Group. Office of the Chief Economist.
21. **surprise and global change**". In Sustainable development of the biospher. W. C. Clark and R. E. Munn (Eds.). PP. 292-317. London: Cambridge University Press.
22. ————. 1973. "**Resilience and stability of ecological systems**". Annual review of ecology and systematics. 4 (1). PP 1-23.
23. North, D. C. (1991). Institutions STÖR. **The Journal of Economic Perspectives**, 5 (1), 97-112.
24. Ostrom, E. 2009. "A general framework for analyzing sustainability of social-ecological systems". Science. 325 (5939). PP 419-422.
25. Perrings, C. A. 2006. **Resilience and sustainable development**. Environment and Development Economics.